



گفت‌وگو با سید محمد کاظم سجادی‌پور درباره
اجلاس داووس و تحرکات نظامی واشنگتن در خاورمیانه

**بحران «اعتبار» آمریکا
با ترامپ عمیق‌تر می‌شود**

← ۵



در گفت‌وگو با محمد رهبری جامعه‌شناس
تحولات ۸ ماه گذشته کشور ارزیابی شد

**سرگذشت امید
از جنگ تا اعتراضات**

← ۱۰

روایت اقتصادی از یک تصمیم ناگزیر، چرا ارز رانتي دیگر جواب نمی‌داد؟

دفاعیه فنی از حذف ارز ترجیحی

← ۷



پزشکیان در همایش بین‌المللی «فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی راهگذره‌های ریلی و جاده‌ای» تأکید کرد
مسیرهای ترانزیتی، راه صلح و توسعه
هفت تفاهمنامه و سند همکاری توسعه کريدورهای ریلی و جاده‌ای در حضور رئیس‌جمهوری امضا شد

← ۲

«ایران» روند گفت‌وگوهای جاری میان تهران و واشنگتن را بررسی می‌کند

**دیپلماسی
در بستر بازدارندگی متقابل**

با یادداشت‌هایی از عابد اکبری و مصطفی نجفی

← ۴

معاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گفت‌وگو با «ایران» اعلام کرد

**بهبود ۱۰ هزار کودک
دارای سوءتغذیه با کالبرگ**

← ۶

با تصمیم ستاد بررسی حوادث دی‌ماه، مراسم چهل‌جانب‌خنگان برگزار می‌شود

سوگواری ملی

پنج چهره سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا از تصمیم ستاد ملی بررسی حوادث دی‌ماه
برای برگزاری آیین یادبود استقبال کردند

← ۳

در اولین روز بررسی جزئیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ تصویب شد

**مالیات صفر برای درآمد ماهانه
کمتر از ۴۰ میلیون تومان**

← ۳

چهل و یکمین جشنواره موسیقی فجر برگزیدگانش را شناخت

**درخشش پیشکسوتان موسیقی
نواحی و اقوام**

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: کنسرت‌های موسیقی به زودی آغاز می‌شود

← ۱۶

۱ گزارش دستاوردهای وزارت صنعت، معدن و تجارت

(سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران)

در مسیر توسعه و اشتغال پایدار

وزارت صنعت، معدن و تجارت



**۱۴۵۶ واحد صنعتی نوبهره‌بردار
وارد مدار تولید شد**



۵۲ همت

سرمایه‌گذاری
(بخش خصوصی و تسهیلات)

۲۰/۸۹۳ نفر

اشتغال مستقیم

افتتاح همزمان در دهه مبارک فجر
(واحدهای احیاشده)



**۸۶۸ واحد صنعتی نوبهره‌بردار، افتتاح همزمان در دهه فجر
بازدستور رئیس‌جمهور محترم**

نزدیک به **۱۴ هزار نفر** اشتغال مستقیم
بیش از **۳۷ هزار میلیارد تومان** سرمایه‌گذاری

۵۸۸

واحد صنعتی
در هفته دولت
بازدستور
رئیس‌جمهور
افتتاح‌گردید
و اکنون:



در سراسر پهنه میهن عزیز و مقدس مان ایران، به برکت وفاق ملی، رقم خورد...

معاونت صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران

اخبار

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب در پی درگذشت حجت‌الاسلام والمسلمین حافظی

رهبر انقلاب اسلامی در پیامی درگذشت عالم سخنور و مبارز مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ جواد حافظی را تسلیت گفتند. متن پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بدین شرح است:

به نام خداوند بخشنده مهربان

با تأسف و تأثر خبر درگذشت عالم سخنور مبارز مرحوم حجت‌الاسلام آقای حاج شیخ جواد حافظی رحمه‌الله علیه را دریافت کردم. منبرهای روشننگر ایشان در دوران طاغوت و تحمل زندان و محرومیت در شمار مجاهدات‌های پیوسته این روحانی فداکار در سالیان پی‌درپی است. از خداوند متعال یاداش شایسته و رحمت و مغفرت برای ایشان مسألت می‌کنم و به بازماندگان محترم تسلیت می‌گویم. سیدعلی خامنه‌ای

۲۵ بهمن ۱۴۰۴

پوتین در پیامی به پزشکیان:

روسیه از ایران حمایت می‌کند

ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه در پیامی به رئیس جمهوری اسلامی ایران، چهل‌هفتمین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی را تبریک گفت. پوتین در پیام تبریک خود با تأکید براینکه روابط میان ایران و روسیه از ماهیت دوستانه و حسن همجواری برخوردار است، تصریح کرد: «روسیه از تلاش‌های ایران برای صیانت از حق حاکمیت و منافع مشروع خود و تأمین امنیت کشور در شرایط بغرنج کنونی بین‌المللی حمایت می‌کند.»

رئیس جمهوری روسیه در ادامه ایران اطمینان کرد که مشارکت جامع راهبردی بین مسکو و تهران پیگیرانه تقویت شود و برای رئیس جمهوری ایران و سلامتی و ثبات روسیه و برای همه ایرانیان نیکبختی و بهروزی آرزو کرد.

معترضان دی ماه به تلویزیون می‌روند

پیمان جبلی رئیس سازمان صدا و سیما در گفت‌وگو با ایرنا، اظهار کرد: «در تلاش هستیم تا مجوزهایی کسب کنیم و بتوانیم با معترضان حوادث دی ماه گفت‌وگویی برای کشف انگیزه و علت اینکه چرا دست به این اقدامات زدند، انجام دهیم. این دست گفت‌وگوها از جنس اعتراف اجباری و قرار گرفتن در مقابل دادگاه نیست.»

با دستور ویدیو کنفرانسی رئیس جمهور انجام شد؛

افتتاح هم‌زمان ۱۳۷۶ واحد تولیدی نوبهره‌بردار و احیا شده در شهرک‌های صنعتی کشور گامی بلند در مسیر تقویت تولید داخل و تحقق اشتغال پایدار با راهبری وزارت صمت و حمایت ایزیپو

با دستور ویدیو کنفرانسی دکتر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ۸۶۸ واحد صنعتی جدید (نوبهره‌بردار) و ۵۰۸ واحد احیا شده در شهرک‌های صنعتی کشور هم‌زمان با دهه فجر افتتاح شد. همچنین ۳۹۸ پروژه زیرساختی و عمرانی در شهرک‌های صنعتی سراسر کشور با مبلغ اعتبار ۶۰۶ همت نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفت. این واحدهای صنعتی و تولیدی و پروژه‌های زیرساختی در شهرک‌ها و نواحی صنعتی در سراسر کشور مستقر و مشغول به فعالیت هستند. بنابر این گزارش، ۸۶۸ طرح صنعتی نوبهره‌بردار با سرمایه‌گذاری بیش از ۳۷ همت نزدیک به ۱۴ هزار نفر شغل ایجاد می‌کند. از این تعداد، ۳۶ نیروگاه خورشیدی برای تأمین برق در شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور به ظرفیت ۶۹۵۰ کیلووات به مساحت ۱۲ هکتار نیز مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. همچنین ۵۰۸ واحد احیا شده، برای بیش از ۹ هزار نفر شغل ایجاد می‌کند.

مراسم افتتاح این واحدها و طرح‌های صنعتی روز هشت‌شنبه هم‌زمان با دهه فجر با دستور ویدیو کنفرانسی دکتر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور برگزار شد.

افتتاح کارخانه کاغذسازی در شهرستان ری

با حضور معاون وزیر صمت و مدیرعامل ایزیپو هم‌زمان با افتتاح ۸۶۸ واحد صنعتی نوبهره‌بردار و ۵۰۸ واحد بازفعال شده با دستور ویدیو کنفرانسی رئیس‌جمهور در شهرک‌های صنعتی کشور و در کارخانه «کاغذسازی مهرآیین پارس» در شهرستان ری حضور یافت و ضمن بازدید از بخش‌های مختلف این واحد تولیدی، آن را مورد افتتاح قرار داد.

واحد صنعتی کاغذسازی مهرآیین پارس به‌عنوان نمونه‌ای از واحدهای احیا شده است. این واحد که حدود پنج سال به دلیل مشکلات فنی متوقف بود، با نوسازی و بهره‌گیری از فن‌آوری‌های روز اکنون با ظرفیت تولید ۱۰۰ هزار تن در سال و اشتغال مستقیم ۳۴۶ نفر به چرخه تولید بازگشته است.

میزان سرمایه‌گذاری انجام‌شده در این واحد حدود ۵ هزار میلیارد تومان است. این واحد با رویکرد تأمین نیاز داخلی و صادرات‌محور فعالیت می‌کند که پیش‌بینی می‌شود سالانه حدود ۵۰ میلیون دلار



رئیس‌جمهور ایران

پزشکیان در همایش بین‌المللی

«فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی راهگذره‌ای ریلی و جاده‌ای» تأکید کرد

مسیرهای ترانزیتی، راه‌صلح و توسعه

هفت تفاهمنامه و سند همکاری توسعه کریدورهای ریلی و جاده‌ای در حضور رئیس‌جمهوری امضا شد

گزارش

گروه سیاسی

سند در خصوص تحویل ۱۲۵ کیلومتر از راه‌آهن متعلق شده و الزامات کارفرمایی راه‌آهن رشت-آستارا با شرکت «کاسپین سرویسز»، امضای تفاهمنامه اولیه احداث و بهره‌برداری راه‌آهن زاهدان-بیرجند-یونسلی و تکمیل و بهره‌برداری از راه‌آهن چابهار-زاهدان با شرکت آبادراهان بارس، امضای قرارداد نهایی آزادراه قم-سلمان-راهجرد با شرکت احداث آزادراه قم-سلمان-راهجرد، امضای تفاهمنامه اولیه احداث و بهره‌برداری آزادراه اردکان-بیرند-مهریز با سازمان ملی زمین و مسکن و سازمان همیاری شهرداری استان یزد و در نهایت امضای تفاهمنامه اولیه اجرای ۱۶ پروژه مهم ریلی و جاده‌ای در ۴ استان کشور با شرکت ترکیه‌ای به ارزش ۲ میلیارد یورو می‌شود.

پیوندهای منطقه‌ای را زنده می‌کنیم

رئیس جمهوری، در همایش بین‌المللی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی راهگذره‌ای ریلی و جاده‌ای با تأکید بر عزم راسخ جمهوری اسلامی ایران برای توسعه شریان‌های حیاتی حمل‌ونقل کشور اظهار کرد: «جمهوری اسلامی ایران مصمم است با



عزم دولت چهاردهم توسعه و راه‌اندازی کریدورهای ارتباطی در راستای افزایش دیپلماسی اقتصادی و امنیتی با کشورهای منطقه است. اعضای قراردادهای تفاهمنامه‌ها سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، یک گام به جلو برای پیشبرد این هدف دولت بود

قدرت، سرعت، دقت، کیفیت، کارایی و هزینه انریجشی، راهگذره‌ای ریلی و جاده‌ای را که به‌عنوان شریان‌های حیاتی کشور طراحی و ترسیم شده‌اند، هرچه سریع‌تر عملیاتی کند.» پزشکیان با تأکید بر رفع موانع قانونی و مقرراتی گفت: «تمامی موانع موجود در مسیر اجرای پروژه‌ها، اعم از قوانین و مقررات، با هماهنگی کامل مجلس شورای اسلامی برطرف خواهد شد.» پزشکیان در بخش دیگری از سخنان خود اشاره به روابط منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران اظهار کرد: «ما کشورهای همسایه را به‌عنوان دوستان و حتی خوشایندان خود می‌دانیم. با جمهوری آذربایجان پیوندهای قومی داریم؛ با عراق و اقلیم کردستان روابط خوشایندی داریم. مرزها ما را از یکدیگر جدا کرده‌اند، اما پیوندهای تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ما پابرجاست. با ترکیه، افغانستان، پاکستان، ترکمنستان و دیگر کشورهای منطقه، سابقه‌ای طولانی و چندصدساله و حتی چندهزارساله از تعامل و همزیستی داریم.» رئیس‌جمهوری تصریح کرد: «این پیوندها را زنده خواهیم کرد و باور داریم مسیرهایی

ایران در این همایش شامل تشکیل اتاق عملیات مشترک اسلامی و ایجاد صندوق مالی حمل‌ونقل اسلامی بود.» وی با تشریح این دو پیشنهاد، افزود: «پیش‌بینی می‌شود در این همایش تفاهمنامه‌های بالغ بر ۴۵۰ همت در بخش بزرگ‌راهی و آزادراهی و حدود ۲۲۰ همت در بخش ریلی مبادله شود.»

به گفته صادق، حجم سرمایه‌گذاری‌های ریلی بیش از ۱۵۰ میلیون دلار در بیش از یک سال و نیم دولت چهاردهم است.

اجرای شدن راه‌آهن رشت-آستارا

«یوری کوزمین»، نماینده شرکت کاسپین سرویسز روسیه، به عنوان پیمانکار ساخت راه‌آهن رشت-آستارا در همایش روز گذشته گفت: «در شرایط کنونی جهانی و نظم نوین ژئوپلیتیکی، کریدور شمال-جنوب اهمیت راهبردی مضاعفی پیدا کرده است و اجرای شدن این کریدور به‌طور مستقیم توسط ایران و روسیه پیگیری می‌شود. هم‌اکنون شاهه غری این کریدور در دست ساخت است که از جمهوری آذربایجان و ایران می‌گذرد و در این راستا راه‌آهن‌های ایران، جمهوری آذربایجان و روسیه، تکنولوژی حمل یکسره را دنبال می‌کنند.»

شرط جذب سرمایه

در پروژه‌های زیربنایی

حسین عبده تبریزی نیز در جریان پتل فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی آزادراه و بزرگراه در همایش بین‌المللی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی راهگذره‌ای ریلی و جاده‌ای افزود: «مطابق آمارها ۱۸ میلیارد دلار برای اجرای پروژه‌های آزادراهی و ترانزیتی کشور مورد نیاز است که با توجه به تولید ناخالص داخلی ۳۵۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلاری کشور، ۵ درصد از تولید ناخالص ملی را تشکیل می‌دهد؛ بر این اساس باید به اولویت‌بندی پروژه‌ها پرداخت و بالطبع پروژه‌های ترانزیتی که درآمد ارزی دارند اولویت پیدا می‌کنند.»

وی تصریح کرد: «در این راستا نباید با پروژه‌ها به‌طور سیاسی برخورد شود و نباید اجازه داد به‌طور مثال نمایندگان مجلس به دخالت در آنها بپردازند. پروژه‌ها باید اقتصادی باشند و شیوه تأمین مالی آنها نیز مهم نیست.» عبده تبریزی افزود: «برآورد می‌شود ۳۰ میلیارد دلار پول نرزد مردم و در خانه‌ها توزیع نشده باشد، اما برای بیرون آوردن آن و ورود به پروژه‌های آزادراهی و سایر پروژه‌ها، دولت و بخش خصوصی باید بتوانند بازدهی مناسب برای پروژه‌ها ایجاد و پروژه‌ها را اقتصادی ترسیم کنند.»

سرمایه‌گذاری ۱۵۰ میلیون دلاری

در حوزه ریلی

فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی نیز برگزاری

این همایش را با تمرکز تخصصی بر فرصت‌های

سرمایه‌گذاری و تأمین مالی در زیرساخت‌های ریلی و جاده‌ای و با محوریت توسعه کریدورها، یک نقطه عطف در دیپلماسی اقتصادی و حمل‌ونقل جمهوری اسلامی ایران عنوان کرد. صادق با یادآوری حضور و شرکت خود در اجلاس وزرای حمل‌ونقل کشورهای اسلامی در کشور ترکیه، گفت: «دو پیشنهاد مشخص

«واحدهای کوچک و متوسط، ستون فقرات صنعت کشور محسوب می‌شوند و با توجه به تأی‌آوری بالا در شرایط سخت اقتصادی، ابزاری کلیدی برای توسعه همه‌جانبه مناطق مختلف به شمار می‌روند.» وی همچنین اشاره کرد که وزارت صمت این واحدها را نه در حاشیه، بلکه در قلب تپنده و بخش پویای صنعت کشور می‌داند.

انصاری: رشد ۲۰ درصدی جذب سرمایه‌گذاری

در شهرک‌های صنعتی کشور

انصاری، مدیرعامل سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران، نیز با اشاره به توانایی بالای واحدهای کوچک و متوسط در عبور از بحران‌ها، از آمادگی این سازمان برای حمایت از این واحدها با استفاده از بسته‌های حمایتی ۷۰۰ هزار میلیارد تومانی خبر داد و ابراز امیدواری کرد با تأمین مالی مناسب، این واحدها بتوانند بر مشکلات فائق آیند.

وی با قدرانی از حمایت‌های رئیس‌جمهور و وزیر صمت، اظهار کرد: در ۱۰ ماهه سال جاری ۲ هزار و ۲۸۸ قرارداد جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در شهرک‌ها و نواحی صنعتی کشور منعقد شده که این رقم نسبت به مدت مشابه سال گذشته (۲۰۱۱ قرارداد سال قبل)، رشدی حدود ۲۰ درصدی را نشان می‌دهد.

افتتاح واحد تولیدی لوله‌سازی

در شهرک صنعتی بیستون

واحد تولیدی لوله‌سازی پرامان غرب نیز در استان کرمانشاه با ظرفیت تولید ۸ هزار تن لوله از یو بی وی سی در سال نیز افتتاح شد. این واحد در شهرک صنعتی بیستون قرار دارد.

تأکید رئیس‌جمهور بر هم‌افزایی در راستای

حمایت از تولید و بهبود وضع معیشت مردم

دکتر پزشکیان در این مراسم ضمن تشکر و قدردانی از مردم شریف ایران و مجموعه وزارت صمت، معدن و تجارت و تمام تولیدکنندگان و صنعتگران در سخنانی اظهار داشت: در راستای حمایت از تولید و بهبود وضع معیشت مردم تمامی اقدام‌ها و عملیاتی که در حد توان و بضاعت آغاز شده است.

هم‌رغم وجود مشکلات و گسستی‌ها؛ آنچه دنبال می‌کنیم این است که به سرعت تمام دستاوردها در حوزه تولید و اشتغال را به نتیجه مطلوب برسانیم. رئیس‌جمهور با تأکید بر همدلی و همراهی تمام ارکان جامعه یادآور شد: برای پیشرفت و آبادانی کشور طبیعتاً باید همه با یکدیگر همدل و همیار باشیم تا این مسیر را در راستای شکوفایی کشور به سرعت طی کنیم.

وزیر صمت: واحدهای کوچک و متوسط،

ستون فقرات صنعت کشور هستند

در همین راستا، وزیر صمت، معدن و تجارت با تأکید بر نقش حیاتی واحدهای کوچک صنعتی در تولید، اشتغال و توسعه متوازن صنعت کشور، اظهار داشت: همچنین در راستای توسعه صنعتی عدالت محور

و اشتغال آفرینی، تشویق به مشارکت حداکثری سرمایه‌های خرد و متوسط در عرصه صنعت از طریق حمایت و پشتیبانی از ایجاد صنایع کوچک و متوسط در شهرک‌های صنعتی سراسر کشور در دستور کار این وزارتخانه قرار گرفته است.

افتتاح ۱۴۵۶ واحد صنعتی نوبهره‌بردار با سرمایه‌گذاری

بخش خصوصی و حمایت ایزیپو طی سال جاری

در همین راستا، طی سال جاری تاکنون تعداد ۱۴۵۶ واحد صنعتی نوبهره‌بردار با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تسهیلگری و حمایت سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران در اقصی نقاط پهنه مقدس مهن عزیزان با اشتغال مستقیم ۲۰۸۹۳ نفر و سرمایه‌گذاری حدود ۵۲ هزار میلیارد تومان وارد مدار تولید شده است که تعداد ۵۸۸ واحد در هفته دولت با دستور رئیس‌جمهور محترم به بهره‌برداری رسید و طی این برنامه اکنون نیز تعداد ۸۶۸ واحد صنعتی نو بهره‌بردار با اشتغال مستقیم نزدیک به ۱۴ هزار نفر و سرمایه‌گذاری بیش از ۲۷ هزار میلیارد تومان افتتاح شده است.

احیای ۶۴۲ واحد در گذ طی سال جاری

همچنین تا پایان دی‌ماه سال جاری تعداد ۶۴۲ واحد صنعتی راگد با اشتغال کل ۱۲۲۵۸ نفر و سرمایه‌گذاری نزدیک به ۲۰ هزار میلیارد تومان با حمایت و پشتیبانی وزارت صمت از طریق سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران (ایزیپو) بازفعال و احیا شده است.

۱۳۴ واحد صنعتی در ۶ ماهه نخست و هم‌زمان با هفته دولت توسط ریاست محترم جمهوری احیا شد گردید و اکنون نیز تعداد ۵۰۸ واحد صنعتی احیا شده دیگر با مجموع اشتغال ۹۰۲۰ نفر افتتاح هم‌زمان شده است.

طرح‌های جدید به بهره‌برداری رسیده و همچنین واحدهای احیا شده با مشارکت بخش خصوصی و سرمایه‌های مردمی به مرحله اجرا و بهره‌برداری نهایی درآمدند و سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران (ایزیپو) نقش حمایتی، تسهیلگری و راهبردی را بر عهده داشت که نشانگر توسعه صنعتی کشوران در مسیر تحقق شعار «ایران: صنعت پیشران، معدن ارزش‌آفرین و تجارت هوشمند» است.

این دستاوردها، در دولت وقای ملی، گامی بلند و ماندگار در مسیر تقویت تولید داخل، تحقق اشتغال پایدار و ترسیم آینده‌ای روشن برای ایران عزیزمان است؛ آینده‌ای که در آن «عدالت برای همه، آینده برای ایران» مسیری زیستار یافته در پیشرفت کشور خواهد بود.

در طول دو هفته گذشته تحولات گسترده‌ای در حوزه روابط بین الملل رخ داد که شاید یکی از مهم‌ترین تحولات، اجلاس داووس بود. برخلاف عنوانی که برای این اجلاس انتخاب شده بود، تحت عنوان «روح گفت‌وگو»، اما بیشتر آنچه ما از داووس امسال دیدیم نوعی مجادله و در واقع نزاع دیدگاه‌هایی بود که کاملاً با هم منباین بودند. یک دیدگاه، دیدگاه دونالد ترامپ بود که بیشتر بر افتراق میان دو سوی آتلانتیک تأکید می‌کرد و اینکه باید در روابط با کشورهای اروپایی تجدید نظر شود، و این سخنان را در جایی ابراز می‌کرد که خود در داووس سوتیس، یعنی در واپس، حضور داشت. در مقابل، دیدگاه‌های مختلف دیگری هم مطرح می‌شد که عمده‌ترین آن توسط نخست‌وزیر کانادا طرح شد و مورد بحث قرار گرفت. به نظرمی‌آید این مجادله لفظی و کلامی که میان این دو دسته دیدگاه رخ داد حتی برخلاف فرمت همیشگی اجلاس‌های داووس، نشان می‌دهد جهان وارد پیچیدگی‌های گسترده و فرایندهای شده است؛ پیچیدگی‌هایی که بسیاری از مفروضات بنیادین پس از جنگ جهانی دوم را زیر سؤال می‌برد. از جمله اتحادی که میان دو سوی آتلانتیک همواره وجود داشت و به عنوان یک مفروضه در تحلیل‌های تحلیلگران روابط بین الملل مدنظر قرار می‌گرفت. نگاه‌شما به این تحولات و پیچیدگی‌ها چیست؟

در مورد داووس ابتدا به نکته مقدماتی می‌پردازم تا بعد به اصل بحث شما برسیم. این اجلاس، پنج‌هشتاد و دو دوره خود بود و اساساً داووس نوعی گرده‌هایی جهانی غیررسمی است. غیررسمی به این معنی که مقامات رسمی در آن حضور دارند اما تعهدات دولتی مشابه سازمان ملل و نهادهای بین‌الدولی ندارند و حتی می‌توان گفت به نحوی ارتزاقی برای بحث‌های رسمی است. نکته دوم این است که ماهیت بحث‌ها عمدتاً اقتصادی است. در این اجلاس که حدود ۳۰۰۰ نفر شرکت داشتند، بن‌مایه مباحث، اقتصادی، شرکت‌های بزرگ و نوعی پل‌زدن میان این مجموعه اقتصادی بود. سومین نکته کارکردهای است که این نهاد دارد؛ یکی از آنها نوعی اجماع‌سازی میان نتایجان اقتصادی و سیاسی است، زیرا بیشتر کمیته‌های بزرگ دنیا و مقامات سیاسی جمع می‌شوند. کارکرد دیگر یک گامه کردن تحلیل‌ها از شرایط بین‌المللی و مهم‌تر از همه، جست‌وجوی راه‌حل برای چالش‌های اقتصادی در جهان غرب با کاپیتالیسم است.

نکته‌ای که شما فرمودید که کنار این مسائل قرار می‌گیرد؛ مسائلی که مانند گذشته اتفاق افتاده ادامه داشته و تداوم پیدا می‌کند، چون داووس یک نهاد غیردولتی است یا دفتر اصلی که در ابوتس در ژنو قرار دارد و اجلاس آن در واپس است. در دوره‌های آلب برگ‌زار می‌شود، اما دو سه اجلاس منطقه‌ای نیز دارد و در فاصله امسال تا سال آینده نشست‌های مختلفی را در حوزه‌های گوناگون برگزار می‌کند که یکی از آنها اجلاس شرم‌الشیخ مربوط به مسائل خاورمیانه است. هر کدام از اینها کارکرد خودشان را دارند، اما این مجموعه و منظومه بر اساس همان ساختار اصلی به کار خود ادامه می‌دهد. با این حال، نکته اصلی این است که اجلاس امسال تحت تأثیر فضای سیاسی و مخصوصاً نطق ترامپ قرار گرفت. نطق ترامپ که شرایط فعلی که در آن قرار داشت، شرایطی بود که در آن دولت‌ها در جهت تمرکز روی قدرت‌های بزرگ دنیا به سمت تمرکز روی قدرت‌های بزرگ می‌روند. مطرح هستند، زیرا هم آمریکا خود را قدرت بزرگ تعین‌کننده می‌بیند و هم تمایل دارد با قدرت‌های بزرگ یعنی چین و روسیه، علیرغم همه تنش‌ها، مسائل را میان خودشان حل‌وفصل کند؛ نمونه‌اش اوکراین. اما این رویکرد مورد قبول برخی دیگر از کنشگران نیست و از این جهت مسأله عاملیت قدرت‌های میانه مطرح شد. این بخش از سخنان او بازتاب زیادی در جهان داشت؛ مثلاً در استرالیا که کشوری شبیه کانادا و قدرت میانه است، محافل فکری حمایت کردند، در حالی که دولت استرالیا تا این اواخر

ایجاد می‌کند؛ فضای روانی مبتنی بر تحقیر گذشتگان، تحقیر دیگرانی که جز او فکر می‌کنند و نوعی بزرگ‌بینی و خودمحوری در نگاه دولت ترامپ. دولت‌های اروپایی در مورد گرینلند به فاصله تقریباً ۲۴ ساعت تریبی دادند که جزئیاتش خیلی دقیق نیست، اما آمریکا امکانات و اختیارات قابل توجهی را آنجا به دست آورد، در عین اینکه مسأله مالکیت و حاکمیت آن گونه که آمریکایی‌ها می‌خواستند تحقیق نیافت. اما واکنش‌ها به نطق ترامپ همان طور نخست‌وزیر کانادا بود. مارک کارنی بدون ذکر نام ترامپ گزاره‌های اصلی او را نقد کرد. چون ترامپ به کانادا تعرض داشت و گفت تمام آنچه پس از جنگ جهانی دوم ساخته شده بود؛ از نهادهای بین‌المللی، هنجارهای بین‌المللی، حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی، همه زیر پا گذاشته شده است. حرف اصلی‌اش این بود که نمی‌توانیم بگوییم دوران گذار در روابط بین‌الملل است؛ دوران گذار تمام شده و دوران آشفتگی آغاز شده است. شاه‌نکته مفهومی حرف کارنی همین ورود به آشفتگی بود. سخنرانی‌اش که بسیار دقیق تنظیم شده و ترکیبی از مباحث آکادمیک و موضع‌گیری‌های دیپلماتیک سیاسی بود، متضمن این بود که آمریکا مسئول این وضعیت است. اما نکته جالب‌تر این بود که به‌قول معروف این طور نیست که ایالات متحده بتواند دنیای جدید را به‌تنهایی شکل دهد؛ کانادا به‌عنوان یک قدرت میانه ظرفیت اثرگذاری، عاملیت و کارگزاری دارد و قدرت‌های میانه در شرایط فعلی که دنیا به سمت تمرکز روی قدرت‌های بزرگ می‌روند مطرح هستند، زیرا هم ایران را خود را قدرت بزرگ تعین‌کننده می‌بیند و هم تمایل دارد با قدرت‌های بزرگ یعنی چین و روسیه، علیرغم همه تنش‌ها، مسائل را میان خودشان حل‌وفصل کند؛ نمونه‌اش اوکراین. اما این رویکرد مورد قبول برخی دیگر از کنشگران نیست و از این جهت مسأله عاملیت قدرت‌های میانه مطرح شد. این بخش از سخنان او بازتاب زیادی در جهان داشت؛ مثلاً در استرالیا که کشوری شبیه کانادا و قدرت میانه است، محافل فکری حمایت کردند، در حالی که دولت استرالیا تا این اواخر

همراهی‌هایی با ترامپ داشت و بسیاری از کشورها از جمله اروپایی‌ها دنبال راضی کردن ترامپ بودند، چیزی که به آن اپیزمنت یا ممانشات می‌گویند. با این حال فرانسوی‌ها هم موضع‌گیری‌های مشخصی فاصله‌گرفتن از ترامپ بود، مخصوصاً در قسیه گرینلند. نکته دیگری که باید اضافه کنم و به سوال شما برمی‌گردد، تلاش ترامپ برای اندازه‌زنی هایت‌مدیر صلیح برای غزه است که برخی کشورها از جمله فرانسه حاضر نشدند در آن شرکت کنند. نکات بسیار ظریف و قابل اعتنایی هم در طرح ترامپ و هم در واکنش کشورها وجود دارد که به همان گزاره اصلی شما یعنی تغییرات اساسی در جهان برمی‌گردد. تحلیلی در محافل فکری مطرح شد که این اقدام نوعی حذف سازمان ملل است و قابل قبول نیست؛ سازمانی بین‌الدولی که اکثر اغشایش از جنوب جهانی هستند و از این میان ۱۹۳ کشور، حدود ۱۴۰ تا ۱۵۰ کشور در حال توسعه‌اند. آیا می‌توان چنین نهادی را نادیده گرفت و کار را فقط به ایالات متحده سپرد و آن را شخصی و تمرکززد از ترامپ کرد؟ نکته دوم اینکه در این طرح برای فلسطینی‌ها هیچ فضای در نظر گرفته نشده بود؛ با وجود همه کنشگران و نهادهای فلسطینی. این مسأله همزمان با داووس بود؛ هرچند تعدادی از شخصیت‌های برخی کشورها شرکت کردند، اما کنارکشیدن فرانسه و برخی کشورهای اروپایی معنادار بود. از این جهت اگر همه اینها را کنار هم بگذاریم، نمی‌خواهم بگویم سخن نخست‌وزیر کانادا صد درصد درست است، اما واقعاً با یک دوران به‌هم‌ریختگی در روابط بین‌الملل روبه‌رو هستیم. از یک طرف بازگشت چند امرعریان را خود را قدرت بزرگ استفاده از زور نظامی به‌صورت آشکار، جنگ همیشه در روابط بین‌الملل بوده، حتی زمانی پذیرفته‌شده بود، اما در قرن گذشته میلادی به‌تدریج دیگر مبنای اصلی حل اختلافات با کسب سرزمین قلمداد شد و مباحث مربوط به جنگ مشروع ماهیت دیگری پیدا کرد. اما اکنون گزاره «صلح از طریق قدرت» که در سند اخیر استراتژی دفاعی آمریکا نیز مطرح شده، یعنی به‌کاربردن قدرت عریان نظامی، نکته دوم بازگشت به سیاست اکتساب سرزمین، مانند



عکس: ها، علی محمدی / ایران

بررسی اجلاس اخیر داووس و تحرکات نظامی ایالات متحده در خاورمیانه در گفت‌وگو «ایران» با دکتر سید محمد کاظم سجادیور

بحران «اعتبار» آمریکا با ترامپ عمیق‌تر می‌شود

در حالی که اجلاس اخیر داووس با شعار «روح گفت‌وگو» برگزار شد، آنچه در صحنه واقعی رخ داد بیش از آنکه همکاری باشد، تقابل دیدگاه‌ها درباره نظم در حال گذار جهانی بود؛ تقابلی که از شکاف فراینده دو سوی آتلانتیک تا بازتعریف نقش قدرت‌های میانه امتداد یافت. دکتر سید محمد کاظم سجادیور در ادامه سلسله گفت‌وگوهای تحلیلی با «ایران» با اشاره به برجسته شدن گفت‌

گرینلند، که یادآور قرن هجدهم و نوزدهم و استعمار است. نکته سوم نیز دسترسی به منابع سرزمینی است که نمونه‌اش بحث‌های مربوط به ونزوئلاست. در یک جمع بندی، آنچه این به‌هم‌ریختگی را در جهان ایجاد کرده، برداشت ترامپ و تیمش از ایالات متحده در داخل و خارج و مأموریتی است که برای خود قائل‌اند. البته هر تمایل به تسلط و هژمونی با واکنش‌هایی روبه‌رو می‌شود و گم‌کردن برای ذهن ترامپ می‌گذرد کاملاً عملی نمی‌شود؛ ممکن است در جاهایی عملی شود، اما مثلاً دانمارک با وجود کوچکی بازی قابل توجهی انجام می‌دهد. این کشور می‌داند نباید هدف حمله نظامی آمریکا قرار بگیرد، اما حمله نظامی به دانمارک هم امر ساده‌ای نیست. جالب اینکه ترامپ در کنار ادعای صاحب گرینلند گفت از قدرت نظامی استفاده نمی‌کند، هرچند بسیار درباره قدرت نظامی آمریکا سخن گفت، واکنش گرینلند، اروپا و کل جهان و حتی داخل آمریکا نسبت به سیاست‌هایی که ترامپ میان سیاست داخلی و خارجی پیوند می‌دهد، بویژه مسأله مهاجرت - حائل اهمیت است. کشته‌شدن دو نفر توسط نیروهای اداره مهاجرت و گم‌کردن بحرانی ایجاد کرد که تا حدی به عقب‌نشینی ترامپ انجامید و نشان داد گرچه او می‌خواهد جهان را به هم بزند، اما به این معنا نیست که همه چیز در اختیار او قرار گیرد.

ترامپ و ترامپیست‌ها معمولاً این گزاره را در سال‌های گذشته تکرار می‌کردند و می‌کنند که این لیبیل‌ها و جهان‌وطن‌گرایان بودند روابط بین‌الملل روبه‌رو هستیم. از یک طرف بازگشت چند امرعریان را خود را قدرت بزرگ استفاده از زور نظامی به‌صورت آشکار، جنگ همیشه در روابط بین‌الملل بوده، حتی زمانی پذیرفته‌شده بود، اما در قرن گذشته میلادی به‌تدریج دیگر مبنای اصلی حل اختلافات با کسب سرزمین قلمداد شد و مباحث مربوط به جنگ مشروع ماهیت دیگری پیدا کرد. اما اکنون گزاره «صلح از طریق قدرت» که در سند اخیر استراتژی دفاعی آمریکا نیز مطرح شده، یعنی به‌کاربردن قدرت عریان نظامی، نکته دوم بازگشت به سیاست اکتساب سرزمین، مانند

مسأله اعتبار آمریکا همچنان یک چالش باقی می‌ماند. اعتبار آمریکا افزایش نمی‌یابد، بلکه کاهش پیدا می‌کند. نزدیک‌ترین دوستان آمریکا در منطقه درباره غیرقابل اعتماد بودن آن بحث می‌کنند

غیرقانونی است. این کشته شدن سرو ص‌ای زیادی ایجاد کرد و تنش سنگینی میان فرماندار و دولت ترامپ به وجود آمد. اکنون بحث بوده در کنگره مطرح است. اگر به یاد داشته باشید چند ماه پیش بحث تعطیلی دولت مطرح بود که به‌نوعی تهاجم شد و قرار شد تا پایان ژانویه دولت باز بماند و هفت هشت دموکرات هم رأی دادند و این کمک کرد آن بحران نسبتاً طولانی - حدود دو ماه تعطیلی - حل شود. اما با اتفاق مینه‌سوتا، اگر بخواهند دوباره تعطیلی رخ ندهد و توافق بوده دنبال شود، دموکرات‌ها می‌گویند اشتباه کردیم و با چه کسی طرف هستیم و دیگر آن کار را انجام نمی‌دهیم. یعنی متغیر حادثه مینه‌سوتا بر بودجه و مناسبات کنگره و رئیس جمهوری اثر می‌گذارد؛ هر توافقی هم که باشد، مقاومت در برابر ترامپ وجود دارد. در سطح بین‌المللی هم همین‌طور است. مقاومتی که کانادا نشان می‌دهد و مقاومتی که فرانسه نشان می‌دهد. آن هم از سوی دوستان و متحدان آمریکا. قابل توجه است و درباره مخالفان نیز همین وضعیت وجود دارد. بنابراین روندی که می‌بینیم اعمال هژمونی در کنار مقاومت است.

آخرین نکته در چشم‌انداز تاریخی این است که همان‌طور که برآمدن قدرت‌های بزرگ روندی طولانی بوده و گاه دو یا سه قرن طول کشیده تا یک قدرت به اوج جهانی برسد، افول آن نیز روندی تدریجی و همراه با فراز و نشیب است و یک‌شبه رخ نمی‌دهد. برای نمونه تاریخ ایران را ببینیم؛ چند امپراتوری بزرگ داشته‌ایم؛ هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان و صفویه. برآمدن هیچ‌یک آسان نبود و معمولاً با جنگ‌ها و تلاش‌های اولیه همراه بود تا ثبات و قدرت مرکزی ایجاد شد و به اوج رسید، اما همه آنها در روندی با مشکلات روبه‌رو شدند و قدرتشان بایه‌جا شد. تحقیقات نشان می‌دهد سقوط‌ها نیز تدریجی بوده؛ مثلاً سقوط هخامنشیان فقط با حمله اسکندر یا سقوط ساسانیان صرفاً با حمله اعراب رخ نداد. در نمونه‌های معاصر نیز چهارچوب‌های اسپانیا و پرتغال در آمریکای لاتین با هلند و حتی انگلیس، هم برآمدن‌شان روندی بود و هم افول‌شان. بنابراین هر سقوط‌ها امکان بازسازی دارند اگر اشتباهات خود را اصلاح کنند؛ نمونه‌اش انگلیس که با کاهش هزینه‌ها تلاش کرده جایگاه خود را حفظ کند. بنابراین سرنوشت محتوم نیست و روندی است.

با این حال کارهایی که ترامپ انجام می‌دهد عظمت به آمریکا نمی‌دهد، زیرا عظمت فقط بودجه نظامی یک و نیم تریلیون دلار و نوآوری صنعتی بالا نیست؛ احترام، مشروعیت و مقبولیت بین‌المللی هم بخشی از قدرت است. خوششان در اسناد منتشرشده اشاره می‌کنند که نابرابری میان قدرت نظامی آمریکا و مشروعیت جهانی آن ظاهراً جدی است. به نظر من هیچ‌یک از رؤسای جمهور اخیر آمریکا نتوانستند این توازن را حفظ کنند. شاید تا حدی ادواجه با درک عمیق‌تری از وضعیت آمریکا و جهان توانست آن را کاهش دهد. اما با این کارهایی که ترامپ می‌کند عظمت آمریکا باز نخواهد گشت. عظمت آمریکا یک گفت‌وگو است. همین حدود یک ماه پیش بحث ونزوئلا مطرح شد و اخطاری به بقیه کشورهای آمریکای لاتین داده شد که مراقب باشید؛ احساس غالب این است که آمریکای لاتین را چین گرفته و باید بازگشت و دگرین‌شد دوباره احیا شود. در همین فاصله دانشگاه رم‌لین در چین تحقیقی منتشر کرد که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در آمریکا از لاتین به‌گونه‌ای است که این حرف‌های ترامپ اجرایی نیست؛ حدود ۶۰۰ تا ۸۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در پروژه‌های زیرساختی و غیرزیرساختی. در مقابل، آمریکا از سال ۱۸۲۳ تاکنون در مجموع حدود یک تریلیون دلار سرمایه‌گذاری کرده و این فاصله کمی با آن دارد. آمریکا می‌تواند چین را با چنین سطح سرمایه‌گذاری بیرون کند و آن کشورهای آمریکای لاتین می‌پذیرند مانند ونزوئلا شوند؟ حتی در روزهای اخیر رسانه‌های آمریکا می‌گویند ونزوئلا و خانم دلسی رودریگز آن گونه که آمریکای می‌خواهد رفتار نمی‌کنند. بنابراین گفت‌وگو یک چیز است و واقعیت چیز دیگر؛ رفت‌وآمد میان این دو در نهایت تعیین‌کننده است، اما در هر صورت این رفتار فردی روند مناسبی برای جهان نیست.

اجازه‌دهید به آخرین نمونه‌ای بپردازیم که احتمالاً به بحران اعتبار ایالات متحده افزوده است. در یکی دو هفته اخیر، «دیپلماسی اجبار» یا به تعبیر خودشان «لوحه از طریق اعمال قدرت» وارد مرحله‌ای جدید شد و همزمان غیرقابل پیش‌بینی بودن رئیس جمهوری ایالات متحده نیز به‌نوعی آشکار شد. برخلاف سند امنیت ملی، در همین مدت شاهد ورود تقریباً ۱۷۰ هزار نیروی نظامی آمریکا به منطقه دویم، دو گروه ضربت وارد منطقه شدند و همزمان ایالات متحده چهار پیش‌شرط برای

مذاکره با تهران اعلام کرد که احتمالاً در جریان آن هستند. به‌نوعی وضعیت شبیه الگوهای قرن نوزدهم شده است؛ مشابه محاصره دریایی ایران در زمان کودتای پارس که انگلیسی‌ها خواهان هرات بودند و جنوب ایران را محاصره کردند. این‌ها هم تقریباً چنین منطقی القای شد؛ با این چهار شرط پذیرفته می‌شود یا ممکن است اقداماتی رخ دهد. این روند برخلاف بسیاری از پیش‌بینی‌ها بود که تصور می‌کردند ایالات متحده دیگر خاورمیانه را در اولویت قرار نمی‌دهد و هزینه‌های سرسام‌آور نظامی نخواهد کرد. برخی معتقدند انتهای این دیپلماسی اجبار در واقع چین است؛ یعنی از طریق رقابت بر ایران قصد دارند نظامی جدید در منطقه، بویژه در حوزه انرژی و امنیت انرژی ایجاد کنند که متضرر اصلی آن چینی‌ها باشند. فارغ از این بحث، همین نوع دیپلماسی که نوعی بازگشت به ارزش‌ها و الگوهای حداقل چهار یا پنج دهه پیش - یا حتی بیشتر - است، احتمالاً در میان مدت نوعی بحران اعتبار برای

ایالات متحده ایجاد می‌کند. نکته مهم این است که به‌رغم جمع نیرو، خط و نشان کشیدن‌ها و حتی سابقه تناقض در رفتار آمریکا - از یک سو مذاکره با ایران و از سوی دیگر همراهی در جنگ با رژیم صهیونیستی - ما با یک آمریکای کاملاً منطقی، عقلانی و محاسبه‌گر مواجه نیستیم که تصور کنیم همه چیز طبق طراحی فنی پیش می‌رود. چرا چنین می‌گوییم؟ زیرا در مرکز همه این رفت‌وآمدها و کنش‌ها واکنش یک شخص قرار دارد. درست است که بوروکراسی آمریکا وجود دارد، قدرت نظامی آمریکا وجود دارد و منافع بلندمدت آمریکا در رابطه با چین مطرح است، اما فعلاً بازیگر اصلی فردی است بسیار غیرقابل پیش‌بینی و دارای نوسانات شدید رفتاری. در عین حال برخی چهارچوب‌های فکری و رفتاری او تا حدی شناخته شده است، بنابراین در گام اول با یک طراحی کاملاً محاسبه‌شده روبه‌رو نیستیم بلکه به سیاستی شخصی شده مواجهیم که نکته دوم، شیوه رفتاری ترامپ است؛ آن گونه که حتی برخی کارشناسان غربی نیز گفته‌اند ایجاد بحران، افزایش تنش تا مرز خطر و عقب‌نشینی در لحظه آخر همراه با یک تعامل سیاسی است. نمونه آن گرینلند است. طی دو ماه گذشته تنش افزایش یافت؛ حتی همسر استیون میلر - یکی از افراد مهم حلقه ترامپ در کاخ سفید - تصویری از پرچم آمریکا روی گرینلند توییت کرد و ماجرا شدت گرفت. چند هفته همه منتظر دگریری نظامی بودند تا اینکه در سخنرانی داووس - با لحنی تند - نهایتاً این افزایش تنش به معامله سیاسی ختم شد. در مورد ونزوئلا نیز تنش نظامی بسیار بالا رفت؛ نیروها جمع شدند و فرماندهی‌های چندگانه آمریکا فعال شدند، اما در نهایت ماجرا با رایش صادر و پایان یافت. بنابراین این فرد روش خاصی در مدیریت بحران دارد. درباره بحران ایران نمی‌توان با قطعیت گفت چه خواهد شد، اما این پرسش مطرح است که آیا انتهای این escalation (افزایش تنش) به de-escalation (کاهش تنش) و یک اقدام سیاسی ختم می‌شود؟ این حداقل یکی از فرضیه‌هاست.

اما نکته سوم اینکه هر فرضی را بپذیریم، مسأله اعتبار آمریکا همچنان یک چالش باقی می‌ماند. اعتبار آمریکا افزایش نمی‌یابد، بلکه کاهش پیدا می‌کند. نزدیک‌ترین دوستان آمریکا در منطقه درباره غیرقابل اعتماد بودن آن بحث می‌کنند. حتی برخی نوشته‌های علمی صهیونیست‌ها تصریح می‌کنند که باید وابستگی به آمریکا کاهش یابد. در همین مدت اخیر نیز با وجود همکاری نتانیاهو و ترامب، محافل سیاسی رژیم صهیونیستی مدعی این هستند که کشور را بیش‌ازحد در اختیار آمریکا قرار داده است. یعنی رابطه با آمریکا مهم است، اما این سطح از نزدیکی مطلوب نیست. به بیان دیگر، نزدیک‌ترین متحدان آمریکا نیز بحران اعتبار آن را در کرده‌اند و تقریباً همه به دنبال متنوع‌سازی منابع استراتژیک خود هستند.

فرهیخته ارجمند؛ با توجه به محدودیت فضای انتشار در نسخه چاپی روزنامه، امکان درج کامل این گفت‌وگو تفصیلی فراهم نشد. این رو به‌منظور دسترسی به متن کامل مصاحبه، می‌توانید با اسکن این رمزینه (QR Code) ادامه گفت‌وگو را در پایگاه اینترنتی روزنامه مطالعه فرمایید.



در منابع ژورنالی اسرائیلی، روزهای اخیر نیز درباره غیرقابل اعتماد بودن آمریکا صحبت می‌شود. از این جهت که ممکن است انتهای این جدال معامله‌ای با ایران باشد؛ مطلبی که چندین بار در منابع عبری دیده شده است.

در نهایت، اعتبار آمریکا مسأله‌ای جهانی است و با دو مانور ساده حل نمی‌شود. اگر بخواهیم عامیانه بگوییم، بحران اعتبار معادل «از چشم افتادن» است. بازگشت از چشم افتادن نیازمند اقدامات فراوان است. با این حال یک پاورقی مهم وجود دارد: علت اینکه بحران اعتبار آمریکا با وجود این سطح بی‌اعتمادی جهانی همچنان به فروپاشی قدرت آن منجر نشده، ظرفیت‌های عظیم - بویژه اقتصادی و نظامی - این کشور است. آمریکا می‌تواند هزینه اشتباهاتش را بپردازد؛ بارها خطا کرده اما به‌سبب منابع گسترده‌اش مانند ماشین است که بیمه کامل دارد؛ ضربه می‌خورد، تعمیر می‌کند و به مسیر ادامه می‌دهد. برای مثال، فرانسه نمی‌تواند اشتباهاتی را که آمریکا انجام داده تکرار کند، زیرا منابع آن را ندارد. در مجموع، بحران اعتبار آمریکا عمیق، گسترده و چندلایه است؛ حاصل انباشت در طول زمان است و بی‌تردید نه فقط خراش بلکه آسیب‌های جدی به ماهیت قدرت آمریکا وارد می‌کند.



برش



روایت اقتصادی از یک تصمیم ناگزیر؛ چرا ارز رانتي ديگر جواب نمي داد؟

دفاعیه فنی از حذف ارز ترجیحی

گزارش

حذف ارز ترجیحی در روزهای گذشته به یکی از مناقشه برانگیزترین تصمیم‌های اقتصادی کشور تبدیل شده است. رسانه‌های منتقد دولت، این سیاست را عامل تشدید تورم و فشار مضاعف بر معیشت خانوارها معرفی می‌کنند؛ نقدی که در ظاهر، با افزایش قیمت برخی کالاها همزمان شده و قابل انکار نیست. اما پرسش اصلی اقتصاد ایران، نه «آیا حذف ارز ترجیحی هزینه داشت؟» بلکه این است: آیا ادامه آن، هزینه کمتری داشت؟

سیاست ارز ترجیحی با هدف حمایت از مصرف‌کننده نهایی آغاز شد، اما در عمل، به تدریج از مسیر اولیه خود فاصله گرفت. فاصله عمیق میان نرخ ترجیحی، نیمایی بازار آزاد، سازوکاری ایجاد کرد که در آن یارانه ارز، پیش از رسیدن به سفره خانوار، در لایه‌های میانی زنجیره واردات و توزیع مستهلک می‌شد. نتیجه، تداوم فشار تورمی در کنار اتلاف منابع ارزی بود؛ ترکیبی که به مرور، این سیاست را به یک بن‌بست تبدیل کرد.

تورم پیش از حذف ارز ترجیحی آغاز شده بود

بررسی داده‌های رسمی نشان می‌دهد روند

صعودی تورم، پیش از اجرای سیاست حذف ارز ترجیحی شکل گرفته بود. از ابتدای سال ۱۴۰۴، اقتصاد ایران تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل بیرونی و درونی، از جمله تشدید تنش‌های سیاسی و نظامی، نوسانات بازار ارز، رشد نقدینگی ناشی از شرایط خاص اقتصاد کشور، افزایش هزینه‌های تأمین مالی دولت و شکل‌گیری انتظارات تورمی، وارد فاز افزایشی قیمت‌ها شد. بر اساس آمارهای بانک مرکزی، تورم دوازده‌ماهه شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی از ۳۶.۴ درصد در فروردین ۱۴۰۴ به ۴۲.۴ درصد در آذرماه رسید و تورم نقطه‌به‌نقطه نیز از ۴۱.۴ درصد به ۴۹.۹ درصد افزایش یافت.

در دی‌ماه ۱۴۰۴، همزمان با اجرای سیاست جدید ارز، این شاخص‌ها به ترتیب به ۴۴.۲ و ۵۴.۹ درصد رسیدند. هرچند بخشی از این افزایش به شوک قیمتی ناشی از حذف ارز ترجیحی بازمی‌گردد، اما نادیده گرفتن مسیر تورمی پیشین، تصویر نادرستی از ریشه‌های تورم ارائه می‌دهد.

ارز ترجیحی دقیقاً کجا شکست خورد؟

تصور کنید یک کالا را با دلار ۴۲۰۰ تومانی وارد می‌کنید و قرار است با همان قیمت آن را به دست مردم برسد. چه اتفاقی می‌افتد؟ یک شکاف عمیق بین قیمت ارز دولتی و آزاد ایجاد می‌شود. این شکاف، یک وسوسه

بزرگ است. کافی است کالا را به جای بازار مصرف، به بازار آزاد ببرید و با دلار نیمایی یا آزاد بفروشید. سودش آنقدر هست که خیلی‌ها را به فساد بکشاند. نقطه شکست ارز ترجیحی، جایی بود که قرار بود بیشترین اثر حمایتی را داشته باشد؛ انتقال یارانه به مصرف‌کننده نهایی. در عمل، این یارانه نه تنها به‌طور کامل به مردم نرسید، بلکه به یکی از منابع اصلی رانت و فساد تبدیل شد. اختلاف قیمت ارز، انگیزه واردات صوری، کلاهپاری، احتکار و حتی قاچاق معکوس را تقویت کرد و در عین حال، بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه رسمی اقتصاد را با اختلال مواجه ساخت.

تداوم این وضعیت، فشار فرایندهای پرذخایر ارز وارد کرد و بانک مرکزی را در موقعیتی قرار داد که برای تأمین ارز ارزان، ناچار به استفاده از ابزارهای پرهزینه‌تری شود؛ ابزارهایی که در نهایت، با به جهش‌های ارزی منجر می‌شدند یا به افزایش پایه پولی. به بیان دیگر، ارز ترجیحی نه تنها مانع تورم نشد، بلکه بستر تورم‌های شدیدتر در آینده را فراهم می‌کرد.

اگر ارز ترجیحی باقی می‌ماند سناریوی محتمل چه بود؟

سناریوی تداوم ارز ترجیحی، حفظ یک نظام چندنرخي ناکارآمد بود؛ نظامی که هم انگیزه

تولید را تضعیف می‌کرد و هم بازگشت ارز صادراتی را به حداقل می‌رساند. در چنین شرایطی، شکاف میان نرخ رسمی و بازار آزاد عمیق‌تری شد و هرشوگ سیاسی یا اقتصادی، می‌توانست به جهش‌های قیمتی بزرگ‌تری دامن بزند. از این منظر، حذف ارز ترجیحی تلاشی برای حذف تورم نبود، بلکه تلاشی برای مدیریت و محدود کردن دامنه بحران بود؛ تصمیمی برای جلوگیری از انتقال هزینه‌های سنگین تر به آینده‌ای که در آن، اصلاح این سیاست به‌مراتب دشوارتر و پرهزینه‌تر می‌شد.

نشانه‌های اولیه: بازار ارز چه می‌گوید؟

یکی از اولین آثار سیاست جدید، در بازار ارز نمایان شد. پس از حذف ارز ترجیحی، میانگین روزانه حجم معاملات در بازار ارز تجاری از حدود ۱۰۰ میلیون دلار به حدود ۱۴۵ میلیون دلار افزایش یافته است. این افزایش، نشانه‌ای از تقویت عرضه ارز در بازار رسمی و کاهش انگیزه نگهداری ارز خارج از چرخه اقتصادی تلقی می‌شود. همزمان، بانک مرکزی اقداماتی را برای مهار رشد پایه پولی آغاز کرده است. رشد یک‌ساله پایه پولی که تا نیمه دی‌ماه به حدود ۵۱ درصد رسیده بود، عمدتاً ناشی از تأمین مالی کسری بودجه و اضافه برداشت بانک‌ها عنوان شده است. به گفته مسئولان پولی، بخشی از این رشد نیز به افزایش موقت نیاز بنگاه‌ها به سرمایه در گردش در پی نوسانات ارزی بازمی‌گردد؛ عاملی که در صورت کنترل، می‌تواند از فشارهای تورمی آتی بکاهد.

بازار کالا: شوک اولیه و نشانه‌های تعدیل

حذف ارز ترجیحی، به‌طور طبیعی با افزایش قیمت برخی اقلام، بویژه در گروه خوراکی‌ها همراه شد. با این حال، داده‌های بازار نشان می‌دهد این شوک، ماهیت پایدار نداشته است. در هفته‌های اخیر، قیمت برخی کالاهای اساسی مانند تخم‌مرغ، گوشت مرغ و حتی گوشت قرمز، با ثبات نسبی یا کاهش مواجه شده است؛ نشانه‌ای از فروکش کردن هیجانات اولیه و تطبیق تدریجی بازار با شرایط جدید.

تغییر مسیر حمایت

از ارز ارزان تا کالابرگ

همزمان با حذف ارز ترجیحی، مسیر حمایتی نیز تغییر کرده است. یارانه‌ای که پیش‌تر در ابتدای زنجیره و به‌صورت غیرشفاف توزیع می‌شد، اکنون

به مصرف‌کننده نهایی منتقل شده است. در قالب کالابرگ الکترونیکی، یارانه‌ای معادل یک میلیون تومان به هر فرد پرداخت شده و بر اساس اعلام بانک مرکزی، مجموع خرید مردم از این مسیر به ۱۲۱.۱ هزار میلیارد تومان رسیده است. هدف این سیاست، حفظ امنیت غذایی، کاهش اثر تورمی حذف ارز ترجیحی و افزایش شفافیت در تخصیص منابع است؛ هرچند کارشناسان تأکید دارند که اثربخشی نهایی آن، به کیفیت اجرا، نظارت مستمر و جلوگیری از انحراف منابع وابسته است.

چه کسی مواظب است که این سیستم از مسیر خارج نشود؟

برای اینکه این ماجرا به سرنوشت ارز ترجیحی دچار نشود، یک کارگروه ویژه به نام «تضمین امنیت غذایی» تشکیل شده که مدام بازار را رصد می‌کند. تصمیمات مهمی برای تأمین نهاده‌های دامی و سرمایه در گردش بنگاه‌ها گرفته شده تا تولید از نفس نینفتد.

چشم‌انداز نهایی

این جراحی به کجا می‌رسد؟

هیچ جراحی بدون درد نیست. حذف ارز ترجیحی هم در کوتاه‌مدت گرانی آورد. اما باید صبر کرد و دید. پیش‌بینی این است که بعد از چند ماه، وقتی سازوکارهای جبرانی مثل کالابرگ جا بیفتد و بازار به ثبات برسد، سرعت افزایش قیمت‌ها (تورم ماهانه) کم شود. هدف نهایی، کنترل تورم و حفظ ارزش پول ملی است؛ چیزی که با ارز چندنرخي و رانتی هرگز ممکن نبود. اگر این مسیر درست مدیریت شود، شاید سال‌های بعد به این نتیجه برسیم که این تصمیم سخت، یکی از ضروری‌ترین تصمیم‌های سال‌های اخیر بود.

حذف ارز ترجیحی، تصمیمی آسان و کم‌هزینه نبود. اما تداوم آن، به معنای ادامه یک سیاست ناکارآمد با هزینه‌های پنهان و فراینده بود؛ هزینه‌هایی که در پی زود، به شکل بحران‌های بزرگ‌تر خود را نشان می‌دادند. مسأله امروز اقتصاد ایران، انتخاب میان «بد و بدتر» است؛ پرداخت هزینه امروز یا پذیرش بحران فردا. حذف ارز ترجیحی، انتخاب مسیر اول بود؛ مسیری دشوار، پرچالش و نیازمند اصلاحات مکمل، اما مسیری که تعویق آن، اقتصاد را در برابر شوک‌های شدیدتر و غیرقابل کنترل‌تر آسیب‌پذیر می‌کرد.

شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام) در نظر دارد مناقصه

با شرایط ذیل را از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای (توام با ارزیابی کیفی و فنی) به‌فروشنده واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.

۱- **موضوع مناقصه:** خرید 400MT Antimony III Acetate
۲- **مدت اجرای موضوع مناقصه:** ۴ ماه
۳- **مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** ۱۷۲.۱۴۴.۰۰۰.۰۰۰ ریال می‌باشد.

۴- **انواع تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه:**
۴-۱) ضمانت‌نامه بانکی
۴-۲) واریز وجه به حساب اعلام شده در اسناد مناقصه

۵- **مهلت توزیع اسناد مناقصه:** تا ساعت ۱۶:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۳
• مناقصه‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس

<https://tender.stpc.ir> مراجعه نمایند.
۶- **ارائه گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:**

۶-۱) پروانه بهره‌برداری
۶-۲) کارت بازرگانی
۶-۳) گواهی‌نامه‌های استاندارد ایزو IMS

۷- **محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی:** خوزستان، بندرامام خمینی، منطقه ویژه اقتصادی، سایت ۴، مجتمع پتروشیمی شهید

روابط عمومی و امور بین الملل شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام)

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۷۸۳

[illegible]

می‌خواهیم تحولات ۸ ماه گذشته، از اردیبهشت تا دی‌ماه امسال را از این زاویه بررسی کنیم که در این مدت آیا میان آنچه در لایه‌های جامعه در جریان بود و آنچه در شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌شد، نسبت و ارتباطی وجود داشت؟ آیا رویکرد‌ها یا نظرات انتقادی مردم در جامعه، در شبکه‌های اجتماعی هم بازتاب پیدا می‌کرد که براساس آن بازتاب، حوادث اخیر قابل شناسایی و رصد باشد؟ تحلیل چنین ارتباطی به این دلیل مهم است که بعد از جنگ ۱۲ روزه، جامعه مدنی ایران به صورت خودانگیخته نه‌تنها از ناملایمات سال ۱۴۰۱ عبور کرد، بلکه در مقابل دشمن خارجی، ایران‌خواهی و ملی‌گرایی قوی از خود بروز دادند. چه شد که ۸ ماه بعد از آن جنگ تحمیلی که باعث همگرایی فراگیرما شد، اعتراضاتی شاهد بودیم که به آشوب کشیده شد؟

همان‌طور که گفتید، بعد از جنگ در فضای اجتماعی، در میان نخبگان اجتماعی و حتی عموم مردم شاهد تغییر و تحولی بودیم که خود را در نظرسنجی‌های آن مقطع نشان می‌داد. به عنوان مثال در نظرسنجی‌های بعد از جنگ، میزان رضایت از عملکرد دولت، اعتماد به دولت و میزان محبوبیت مقامات افزایش یافت که بیانگر ایجاد یک فضای امید در جامعه بود. اما مهم این بود که این امید، امید برای تغییر و اصلاح بود، در آن مقطع مردم تجاوز نظامی به خاک کشور را محکوم کردند، اما تصور مردم این بود که بعد از این اتفاقات احتمالاً در ابعاد مختلف اصلاحاتی را در کشور شاهد باشند و ببینند. اما با گذشت فاصله از جنگ، بویژه از اوایل پاییزاین روند اجتماعی تغییر کرد. تغییر روند امید و رضایت شکل گرفته در جنگ چند دلیل داشت؛ دلیل اول می‌تواند این باشد که جنگ هزینه‌های اقتصادی بسیاری داشت که بخشی از این هزینه‌ها به سرعت خود را نشان داد؛ هزینه‌هایی مانند تعدیل نیرو در کسب‌وکارهای سنتی و آنلاین تا جایی که شاهد موجی از تعدیل نیرو بودیم. دلیل تعدیل نیرو در کسب‌وکارها این بود که نبعات جنگ از جمله قطعی موقتی اینترنت بر رفتار اقتصادی مردم اثر گذاشته بود و همه کسب‌وکارها از آن آسیب دیده بودند. قطعی اینترنت مزید بر علت شده بود تا آسیب اقتصادی ناشی از جنگ تشدید شود و به همین دلیل تا چند هفته پس از پایان جنگ، همچنان رفتار اقتصادی مردم به قبل از جنگ بازنگشت که این امر باعث افزایش بیکاری شد. برای همین در پایان تابستان آمارها نشان می‌داد میزان بیکاری نسبت به قبل از تابستان بیشتر شده است. در برخی از شرکت‌های بزرگ فناوری، ۲۰ تا ۳۰ درصد نیروها تعدیل شدند و بنا بر آمار سازمان تأمین اجتماعی، ۶۰۰ هزار نیروی کار رسمی تعدیل یا بیکار شدند. جنگ تأثیرات اقتصادی بلندمدت دیگری هم داشت. از جمله به دلیل وجود تهدید جنگ و در عین حال آسیب‌های منفی دفاعی به جنگ، ضروری بود برای تقویت بخش دفاعی و جبران نواقص ناشی از آن هزینه‌های صورت بگیرد که احتمالاً باعث می‌شد از میزان هزینه‌ها در بخش‌های دیگر کاسته شود. اتفاق بعدی که در اوایل پاییز رخ داد و اثرات خاص خود را داشت، «اسنپ‌بک» بود. از جمله حوزه‌های که از «اسنپ‌بک» تأثیر پذیرفت، بازار ارز بود که در اواخر پاییز دیده شد. به این ترتیب، هزینه‌های ناشی از جنگ و «اسنپ‌بک» سبب شد مشخصاً از اواخر پاییز پیامدهای این دو تحول را شاهد باشیم، پیامدهایی که در نامطلوب شدن وضعیت اقتصادی بروز کرد، اما اینکه در اواخر پاییز ارزش پول ملی کاهش یافت و همه اینها به صورت مستقیم بر معیشت و زندگی اقتصادی مردم اثر منفی گذاشت. همزمان با این تحولات اقتصادی، مردم پس از جنگ انتظار گشایش‌هایی در حوزه فضای مجازی داشتند، از جمله اینکه برخی پلتفرم‌ها رفع فیلتر شوند که چنین اتفاقی نیفتاد. اتفاقات دیگری هم افتاد که شاید در زندگی مردم اثر مستقیم نداشت، اما برای مردم معنای نمادین داشت. مثلاً اعلام شد کنسرت همایون شجریان در میدان آزادی برگزار خواهد شد که بعداً برخی دستگاه‌ها اعلام کردند به دلیل دیر اعلام شدن این موضوع به ما، آماده برگزاری آن نیستیم. بنابراین، در کنار آن اتفاقات اقتصادی و نیز فقدان گشایش‌ها در دربارۀ فضای مجازی که به صورت مستقیم در زندگی مردم اثر داشت، این اتفاقات نمادین هم سیگنال یا پیام‌هایی به جامعه می‌فرستاد مبنی بر اینکه قرار نیست اصلاحات دنبال شده یا تغییراتی رخ دهد. رویداد دیگر در همین ایام، اخباری بود مبنی بر اینکه بعضی‌ها تلاش دارند برخی موضوعات اجتماعی را که به نظر می‌آمد پرونده آنها بسته شده است، بار دیگر باز کنند.

مطابق تحلیل شما، وقتی تغییرات و مطالبات مورد انتظار مردم محقق نشد، فرآیندهای اجتماعی و سیاسی به سمت خلاف آن مسیری هدایت شد که در هفته‌های اول بعد از جنگ ایجاد شد. این تغییر یا چه علایمی قابل شناسایی بود؟ رویکرد جدید مردم که متفاوت با رویکردهای دوره جنگ و پس از جنگ بود، به این صورت رصد یا دیده می‌شد که برخلاف تابستان که انتقادها در شبکه‌های اجتماعی بسیار کم شده بود، انتقادها، البته به شکل تند و صریح آن در شبکه‌های اجتماعی افزایش یافت. البته در دوره بعد از جنگ هم انتقاد در شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌شد، اما عمدتاً نقش گروه‌های پرانداز خارج از کشور پررنگ بود.



گفت‌وگو با محمد رهبری

گفت و گو

مرتضی گل‌پور

معاون سردبیر

در سه سال گذشته جامعه ایران تحولات پرشتابی را از سر گذراند. اما شتاب و جنس تحولات سال ۱۴۰۴ از سنخ و نوع دیگری بود. در پایان بهار، ۱۲ روز جنگ بر کشور تحمیل شد که زمینه شکل‌گیری همبستگی اما از اوایل پاییز آرام آرام شاهد چرخش در رفتار مردم در شبکه‌های اجتماعی بودیم، به این صورت که بار دیگر انتقادهای مردم داخل کشور هم بیشتر و پررنگ‌تر شد. البته برای این مسأله می‌توان چند دلیل را مطرح کرد، یکی، وضعیت اقتصادی و دشواری‌های ناشی از آن بود که این زمان بیشتر از گذشته احساس می‌شد. دلیل دوم و مهم‌تر، این بود که مردم احساس می‌کردند در کنار دشواری‌های اقتصادی، چشم‌اندازی برای تغییر هم وجود ندارد. یعنی «اسنپ‌بک» به هر حال اثر منفی خود را بر اقتصاد و آینده نگری مردم گذاشت. تا قبل از «اسنپ‌بک» مردم تاحدی امید داشتند که بالاخره تحریم‌ها در یک زمانی رفع شود، اما پس از این رویداد، تصویر آینده برای بخش‌هایی از مردم مبهم شد و در ادامه، این رویداد به همراه تحولات اجتماعی و فرهنگی که اشاره کردم، سبب شد در بخش‌هایی از جامعه میزان امید کاهش یافته و به همین میزان، ناامیدی از تغییر و بهبود شرایط هم افزایش یابد. در کنار همه اینها، مردم می‌دیدند برخی همچنان تلاش می‌کنند پرونده‌های اجتماعی به ظاهر بسته شده را بار دیگر باز کنند.

به نظر می‌رسد می‌خواهید به مصوبه عفاف و حجاب اشاره کنید که در اواخر تابستان برخی تلاش کردند بار دیگر این موضوع را در جامعه و در سطح حکمرانی مطرح کنند. بعد از کشمکش‌کی که سال گذشته اتفاق افتاد، به نظر می‌رسید توافق میان سران قوا حاصل شد و درباره پرونده این مصوبه در سطوح عالی کشور تصمیم‌گیری شده و این پرونده بسته شود. در تابستان هم شواهدی نبود که نشان دهد رویکرد سران قوا درباره این پرونده تغییر کرده باشد. اما به رغم تصمیم سطوح عالی کشور، به نظر می‌رسید برخی جریان‌ها یا افراد همچنان تلاش دارند به این پرونده دامن بزنند و آن را از یک پرونده بسته برای جامعه و حکمرانی، به یک مسأله مجدداً باز تبدیل کنند.

مشخصاً از چه زمانی پیامدهای این تحولات در رویکردها و نظرات مردم اعم از نظرسنجی‌ها یا شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شد؟ چه شاخص‌ها یا علامت‌هایی در شبکه‌های اجتماعی یا نظرسنجی‌ها نشان می‌داد که رویکرد مردم در حال تغییر به سمت اعتراض است؟

این طور نبود که نگرش‌های مردم به صورت ناگهانی تغییر کند یا در داده‌های شبکه‌های اجتماعی و نظرسنجی‌ها، اعتراضات مردم به صورت نگرش مردم یا یک شیب ملایم در حال تغییر بود. مثالی بزنم: در مردادماه یعنی اندکی پس از جنگ، نظرسنجی‌های انجام شد که داده‌های آنها بسیار امیدبخش بود. در اواخر شهریورماه، در گفت‌وگوهایی با برخی مسئولان، تأکید کردم نباید به نتایج این نظرسنجی‌ها دلخوش بود، به این دلیل که یافته‌های این نظرسنجی‌ها بیانگر فضای سیاسی و اجتماعی جنگ و هفته‌های اول پس از جنگ است، درحالی که روندها یا تغییرات اجتماعی بعد از این نظرسنجی‌ها آرام‌آرام در اواخر شهریورماه در شبکه‌های اجتماعی خود را نشان می‌داد. در این مقطع زمانی، آن هم پس از حدود سه ماه، تعداد مطالب راجع به افزایش قیمت طلا و دلار رکورد زد، همچنین مکانیزم ماشه (اسنپ‌بک) یکی از ترندهای «توییتر» فارسی» شد و درعین حال

هم فقط در توییتر بیش از ۲۵ میلیون بار دیده شد. باوجود این، اگر داده‌های شبکه‌های اجتماعی را هم نادیده بگیریم، تحولات اقتصادی جامعه نشان می‌داد رویکرد مردم به چه سمنی در حال تغییر است. براساس چنین واقعیت‌هایی به دوستان می‌گفتم که نتایج سیاسی و اجتماعی این تحولات اقتصادی، مسائل فیلترینگ و تحولات فرهنگی و اجتماعی، در آخر پاییز مشخص خواهد شد و اگر در آخر پاییز نظرسنجی دیگری انجام شود، تصویری که این نظرسنجی از فضای سیاسی و اجتماعی و دیدگاه‌های مردم نشان خواهد داد، با نظرسنجی مردادماه بسیار متفاوت خواهد بود.

در گفت‌وگو با محمد رهبری جامعه‌شناس، تحولات ۸ ماه گذشته کشور بررسی شد

سرگذشت امید از جنگ تا اعتراضات

ملی را فراهم کرد. همین جامعه در ۸ ماه بعد از این جنگ، اعتراضات و ناآرامی‌های گسترده‌ای را شاهد بود.

در گفت‌وگو با محمد رهبری، جامعه‌شناس و تحلیلگر شبکه‌های اجتماعی، همین دوره زمانی بررسی شد؛ یک دوره زمانی ۸ ماهه از یک همبستگی آغاز می‌شود و با اعتراضات گسترده به پایان می‌رسد. محور این گفت‌وگو از این قرار است که آیا می‌توان برپایه آنچه در این ۸ ماه در شبکه‌های اجتماعی گذشت، تغییر در لایه‌های مختلف ساختارهای اجتماعی را شناسایی و ردیابی کرد؟ به دیگر سخن، تلاش شده است با محور قراردادن کنش‌ها در فضای مجازی، کنش‌ها در حوزه اجتماعی بررسی شود.

این تغییر رویکرد مردم بعد از تحولات مربوط به سیاست خارجی در شهریورماه و پس از آن دیده شد. البته در دوره تحولات سیاست خارجی شهریورماه، یعنی «اسنپ‌بک» نظرسنجی انجام نشده یا اگر انجام شده بود، نتایج آن منتشر نشده بود. اما در همین زمان، در شبکه‌های اجتماعی دیده می‌شد که انتقادها بیشتر شده و در کنار آن، انتقادها پرلایک‌تر شده‌اند و بیشتر از گذشته جلب توجه می‌کنند و در مقابل، کسانی که حرف‌های امیدبخش می‌زنند کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند. این تغییر درحالی بود که در هفته‌های اول پس از جنگ، کسانی که در شبکه‌های اجتماعی حرف‌های امیدبخش می‌زدند بیشتر مورد توجه مردم بودند یا حداقل انتقادات کمتری نسبت به امیدبخشی‌های آنان انجام می‌شد. از اواخر شهریورماه، این روند برعکس شد.

تصویر تحولات جنگ ۱۲ روزه تا وقایع دی‌ماه که ارائه کردید، این تلقی را ایجاد می‌کند که مردم ایران تحولات داخلی و خارجی را با حساسیت زیاد دنبال می‌کنند و به‌سرعت هم نسبت به آنها واکنش نشان می‌دهند.

به باور من مردم رویدادها را با دقت بسیاری رصد می‌کنند، هر تغییری در هر سطحی را جدی می‌گیرند و به آن توجه می‌کنند. به عنوان مثال، شاید از نظر برخی رفع فیلتر «تلگرام» کم‌اهمیت تلقی شود، بویژه وقتی رفع فیلتر «تلگرام» با مسائل اقتصادی و سیاست خارجی مقایسه می‌شود. اما وقتی برخی گروه‌ها مانع از این می‌شوند که دولت سیاست مطلوب و وعده داده‌شده خود برای رفع فیلتر «تلگرام» را عملی کند، این پیام به جامعه داده می‌شود که حتی کوچک‌ترین تغییری نیز پذیرفته یا تحمل نمی‌شود. به جامعه این علامت داده می‌شود که دولت نمی‌تواند «تلگرام» را رفع فیلتر کند و در صورت تکلیف بقیه مسائل هم روشن می‌شود. البته نباید موضوع اعتراضات را به این مسائل محدود کرد. منظور از بیان این مثال درباره «تلگرام» این است که در مدت بعد از جنگ تا میانه دی‌ماه، به طور کلی پیام‌هایی که به جامعه داده می‌شد، یعنی پیام‌های مربوط به حوزه فضای مجازی، اقتصاد یا حتی پیامدهای مربوط به حوزه فرهنگی، پیام‌هایی نبود که برای مردم امید ایجاد کند، بلکه اغلب مردم را به سمت ناامید شدن یا بهبود مثبت در آینده سوق می‌داد.

تحوّلاتی که اشاره کردید در گذشته هم بود. به نظر می‌رسد آنچه نسبت به گذشته تغییر کرد، در خود تحولات، بلکه شتاب تحولات و شتاب واکنش مردم به تحولات است. از سوی دیگر، گویی روند‌ها و تحولات جامعه

ما خصلت انباشتی پیدا کرده‌است، یعنی اتفاقات به مرور روی هم انباشت می‌شوند و آنچه در نهایت عمل می‌کند، نتیجه این انباشت است، نه نتیجه یک اتفاق خاص. اعتراضات سال‌های اخیر شباهت‌هایی باهم دارند، اما اعتراضات ۱۳۹۸ یا ۱۴۰۱ از لحاظ ماهیت تفاوت‌هایی با اعتراضات اخیر دارند. درباره اعتراضات اخیر، آنچه اهمیت تعیین‌کننده‌ای داشت، مسأله امید بود؛ «امید» به این معنی که گروه‌هایی از جامعه احساس می‌کردند چشم‌اندازی برای تغییر و بهبود وجود ندارد. در راستای همین تلقی این گروه‌های اجتماعی، چند رویداد هم به وقوع پیوست که این سیگنال را به این گروه‌های اجتماعی می‌داد که تلقی شما از شرایط اصلاح یا نبود امکان بهبود، درست است و قرار نیست چیزی تغییر کند؛ حتی با وجود دولتی که به دنبال تغییر و طرفدار تغییر است هم تغییری رخ نخواهد داد. برای همین در اعتراضات اخیر بیشترین کسانی که به خیابان آمدند و به اعتراضات پیوستند، کسانی بودند که زیر ۳۰ سال و حتی پایین‌تر سن داشتند. در این اعتراضات می‌شد حضور پررنگ گروه‌های سنی زیر ۲۰ سال را هم دید. این امر در قیاس با دیگر اعتراضات که سایر گروه‌های سنی هم در آن‌ها حضور داشتند، ویژگی خاصی به اعتراضات ۱۴۰۴ می‌دهد.

به نظر شما چرا چنین اتفاقی افتاد؟

چند دلیل می‌توان برشمرد. یکی اینکه این افراد به دلیل جوانی، انرژی و هیجان بیشتری دارند و شجاعتی دارند. برعکس، کسانی که در دهه‌های ۳۰ یا ۴۰ زندگی‌شان هستند، احتمالاً خانواده تشکیل داده‌اند، فرزند یا شغل دارند که یعنی چیزهایی دارند که آنان را محافظه‌کارتری می‌کند. علاوه بر این، آنچه اهمیت زیادی داشت، مسأله آینده است. «مسأله آینده» به این معنی که آن جوان احساس می‌کند آینده‌اش مبهم است و این ابهام و ناامیدی به نوعی حس بی‌آیندگی منجر می‌شود. در کنار این‌ها، افراد در سنین زیر ۳۰ سال، یک زندگی طولانی را پیش روی خود می‌بینند و آینده فراخ‌تر و طولانی‌تری را برای خود تصور می‌کنند، مثلاً تا ۵۰ یا ۶۰ ساله می‌شوند و به یک معنا به تغییر رویکردها و کنش‌های افراد نسل‌های متفاوت می‌شود، چنین واقعیت‌هایی است. به باور من یکی از عوامل گسترش اعتراضات و افزایش مشارکت جوانان در آن، سیگنال‌هایی بود که به جامعه داده می‌شد مبنی بر اینکه تغییر یا بهبودی رخ نخواهد داد.

یعنی برای افراد این سن، این تصور هست که اگر با کنش قانونی رئیس‌جمهوری را انتخاب کنند، این «کنش» به معنای «توانایی تغییر» نیست؟

در علوم سیاسی مفهومی با عنوان efficacy یا «اثربخشی» وجود دارد به این معنی که مردم باید احساس کنند دولتی که انتخاب کردند اثربخشی دارد. اما وقتی مردم احساس کنند دولت منتخب آنان نمی‌تواند تغییر ایجاد کرده و مطالبات آنان را به طور کامل برآورده کند، این امر باعث ایجاد ناامیدی و نارضایتی و بی‌اعتمادی می‌شود. یکی از دلایل کاهش مشارکت انتخاباتی مردم در سال‌های اخیر نیز نشأت گرفته از همین احساس کم‌اثربودن دولت‌هاست. در ادامه، این فرآیند، علاوه بر انتخابات، بر مؤلفه‌های دیگری که منجر به افزایش سرمایه اجتماعی می‌شود هم اثر منفی می‌گذارد، یعنی مؤلفه‌هایی چون مشارکت و اعتماد که از شاخص‌های سرمایه اجتماعی هستند.

به لحاظ داده‌های کلان، تحولات چند ماه اخیر چه وضعیتی را در «توییتر»، «تلگرام» یا «اینستاگرام» نشان می‌دادند؟ «تلگرام» وقتی درباره شبکه‌های اجتماعی صحبت می‌کنیم، همواره باید به یاد داشته باشیم که بخشی از داده‌ها در این شبکه‌ها دستکاری شده هستند، باید آن زمینه اجتماعی را هم در نظر گرفت و در تحلیل‌ها لحاظ کرد، یعنی آن زمینه اجتماعی که از وجود احساس ناامیدی و تبعیض در برخی گروه‌های اجتماعی ما خبر می‌داد. در این میان تبعیض به صورت ویژه اهمیت دارد. زیرا تبعیض یکی از دلایلی است که باعث می‌شود افراد دوست به خشونت بزنند. بگذارید مثالی بزنم. ماجرای «خط سفید»‌ها؛ فارغ از اینکه درست است یا نیست و فارغ از اینکه آیا خبرنگاری که از چنین خطی استفاده می‌کرد گناهکار بوده یا نبوده، در این ماجرا واکنشی که از جامعه دیدیم، خشم بود.

مانند برنامه رژیم اسرائیل برای سلطنت‌طلب‌ها که بعد از جنگ افشا کردند.

دقیقاً، نمونه دستکاری‌ها در شبکه‌های اجتماعی، همین موضوعی است که اشاره کردید. بنابراین در هر مطالعه شبکه‌های اجتماعی، باید این موضوع را مدنظر قراردهیم که بخشی از داده‌ها دستکاری شده است. لذا برای بررسی دقیق‌تر شبکه‌های اجتماعی، آنچه که باید لحاظ یا با دقت بیشتری بررسی شود، فقط یک لحظه از اتفاقات این شبکه‌ها نیست، بلکه روند یا «ترند» است که معنادار است و اهمیت می‌یابد. زیرا اقدامات سازماندهی شده، اعم از ربات‌ها یا تلاش برای دستکاری فضا در شبکه‌های اجتماعی که از آن با عنوان «بروپاگاندای رابانشی» یاد می‌شود، همیشه وجود دارد. اما آنچه متغیر مهم قلمداد می‌شود، این است که تغییرات در شبکه‌های اجتماعی چه زمانی افزایشی و چه زمانی کاهش‌ی است تا با بررسی این کاهش‌ها یا افزایش‌ها، روند‌ها یا «ترند»‌ها را با این شبکه‌ها محاسبه و قابل بررسی شوند. با ملاحظه این موضوع، می‌توان گفت «روندی»

که در شبکه‌های اجتماعی وجود داشت، بویژه از اواخر شهریورماه، این بود که انتقادها رو به افزایش است و فضای منفی اظهارنظرها و کنش‌ها در شبکه‌های اجتماعی همچنان درحال منفی‌تر شدن بود. هستند کسانی که این داده‌ها را رد می‌کنند. اما این الگوریتم‌ها یا دستکاری‌ها، در پلتفرمی مانند «اینستاگرام»، بویژه وقتی ۵۰ تا ۶۰ میلیون نفر از ایرانیان در این پلتفرم حضور دارند، نمی‌توانند تعیین‌کننده باشند. زیرا در هر شرایط، بخش مهمی از نگاه و رویکرد مردم نسبت به مسائل جاری جامعه در «اینستاگرام» دیده خواهد شد. در «توییتر» انجام اقدامات سازماندهی شده بسیار راحت‌تر است، بنابراین می‌توانیم «توییتر» را از بررسی‌های خود کنار بگذاریم. اما در «اینستاگرام» پیاده کردن اقدامات سازماندهی شده و استفاده از ربات‌ها بسیار سخت‌تر است. نه اینکه در «اینستاگرام» این اقدامات سازماندهی شده اصلاً وجود ندارد، اما این اقدامات، بویژه اگر قرار است گسترده باشد، بسیار سخت است و برهمین اساس اقدامات سازماندهی شده در این پلتفرم بسیار کمتر است.

یعنی پژوهشگران و تحلیلگران دیگر هم مانند شما مشاهده می‌کردند که فضای شبکه‌های اجتماعی به سمت انتقادی شدن درحال تغییر است؟

روزنامه نگاران هم چنین روندی را می‌دیدند. نشانه‌های این تغییر فضا کاملاً در شبکه‌های اجتماعی وجود داشت. تأکید کنم که قطعاً بخشی از فعالیت‌ها در شبکه‌های اجتماعی جعلی یا «فیک» است، اما وقتی «روند» را مشاهده می‌کنید، «روند» کاملاً نشان خواهد داد که فضای اجتماعی درحال تغییر به چه سمتی است. البته این امر در «توییتر» بسیار شدیدتر است، به این خاطر که جمع زیادی از ایرانیان خارج کشور در «توییتر» حضور دارند.

آیا در شبکه‌های اجتماعی یا دیگر داده‌ها می‌شد خشونت را پیش‌بینی کرد؟

پاسخ به این سؤال هم آری است و هم خیر، زیرا چند عامل در بروز این خشونت‌ها یا گسترش اعتراضات نقش داشتند. درست است که اعتراضات دی ماه از بازار شروع شد، اما آنچه مهم‌تر بود و به یک معنا باعث تغییر دامن زد، توییت ترامپ بود. برای همین، اگر بخواهیم در این اعتراضات متغیر جدیدی را شناسایی کنیم که در اعتراضات گذشته وجود نداشت، مداخله صریح رئیس‌جمهوری آمریکا بود.

امیدوارید به اینکه به عنوان شهروند ایرانی، می‌توان یا کنش‌های قانونی و دولتی که انتخاب می‌کنیم، بهبودهایی ایجاد کرد؟

اگر این امید قوی وجود می‌داشت که دولت و حکمرانی می‌تواند اصلاحات مؤثری انجام دهند، برای این بخش از جامعه اصلاً برخی توییت‌ها هیچ اهمیتی نمی‌داشت. در نظر داشته باشید که ما از جامعه‌ای صحبت می‌کنیم که بعد از جنگ ۱۲ روزه، اکثریت آن بویژه جامعه مدنی، تجاوز خارجی را محکوم کرد و همراه با آن اپوزیسیونی را که از نیروهای خارجی برای مداخله نظامی دعوت کرده بود نیز محکوم کرد. بنابراین مسأله‌ای که باید بررسی شود، این است که در فاصله ۱۰ ماه از جنگ تا اعتراضات دی ماه، در چنین جامعه‌ای چه اتفاقاتی رخ می‌دهد که بخش‌هایی از این جامعه به چنین نقطه‌ای می‌رسند؟ آنچه باید بررسی شود، این تحول است که البته زمینه‌های اجتماعی هم در بروز این تحول اهمیت داشتند.

بنابراین شبکه‌های اجتماعی در بروز ناآرامی‌ها تأثیر زیادی داشت. بر اساس داده‌های شبکه‌های اجتماعی، قابل پیش‌بینی بود که احتمالاً حوادثی رخ خواهد داد. رویدادهای سازماندهی شده‌ای هم بود که باید آنها را در نظر گرفت، اما به رغم این اقدامات سازماندهی شده، باید آن زمینه اجتماعی را هم در نظر گرفت و در تحلیل‌ها لحاظ کرد، یعنی آن زمینه اجتماعی که از وجود احساس ناامیدی و تبعیض در برخی گروه‌های اجتماعی ما خبر می‌داد. در این میان تبعیض به صورت ویژه اهمیت دارد. زیرا تبعیض یکی از دلایلی است که باعث می‌شود افراد دوست به خشونت بزنند. بگذارید مثالی بزنم. ماجرای «خط سفید»‌ها؛ فارغ از اینکه درست است یا نیست و فارغ از اینکه آیا خبرنگاری که از چنین خطی استفاده می‌کرد گناهکار بوده یا نبوده، در این ماجرا واکنشی که از جامعه دیدیم، خشم بود.



فرهیخته اچمند؛ با توجه به محدودیت فضای انتشار در نسخه چاپی روزنامه، امکان درج کامل این گفت‌وگوی تفصیلی فراهم نشد. از این رو، به‌منظور دسترسی به متن کامل مصاحبه، می‌توانید با اسکن رمزبنده (QR Code) ادامه گفت‌وگو را در پایگاه اینترنتی روزنامه مطالعه فرمایید.

یادداشت



امیرعواظ آشتیانی

کارشناس مدیریت

برای تاب‌آوری مالی باشگاه‌ها چه باید کرد؟

از آنجایی که عربستان جامعه‌ای نیست که بتواند در حوزه فوتبال یا برخی از رشته‌های ورزشی در جهان به مدال‌آوری برسد، تعدادی از کارشناسان معتقدند این کشور یک استراتژی کلان دارد تا جایگاهی در فوتبال سطح یک جهان ایجاد کند.

فوتبال این کشور با جذب ستارگان مطرح جهان، سعی دارد هم سطح فنی فوتبالش را ارتقا دهد و هم طرفداران را بیشتر به سمت استادیوم‌ها جذب کند؛ به عبارت دیگر، به دنبال افزایش هوادار است. اما آیا در کنار فوتبال‌بست‌های گران‌قیمت، بازیکنانی وجود دارند که توانایی بازی مؤثر با آنها را داشته باشند و به لحاظ فنی بار تیم را بالا ببرند؟ به نظر می‌رسد هدف اصلی آنها بیشتر شواف و نمایش است. اکراین شیوه را به عنوان مسیر اصلی ارتقای فوتبال خود در نظر گرفته باشند، موفق نخواهند شد زیرا نشان داده‌اند که مصرف‌کننده هستند نه تولیدکننده.

هم‌اکنون می‌بینیم عربستان، که پیش‌تر به‌راحتی راهی جام جهانی می‌شد، صعودش را اما و اگر مواجه شده و این نشان می‌دهد که صرف هزینه‌های گزاف، مشکل آنها را حل نکرده است.

ایران نیز مسیر مشابهی را در پیش گرفته است. حضور مدیران غیرمتخصص در باشگاه‌ها، که شناختی از اقتصاد ورزش ندارند، بی‌مدیران غیروزشنی که به دنبال اهداف دیگری از فوتبال هستند، در رأس باشگاه‌ها، بزرگ‌ترین چالش را برای فوتبال کشور ایجاد کرده است.

نکته تأمل‌برانگیزآن است که با وجود این حجم از ریخت‌وپاش و افزایش زیان انباشته در لیگ ایران، هیچ نشانی از موفقیت در فوتبال باشگاهی دیده نمی‌شود و هر روز میزان پسرقت در این حوزه بیش از قبل است. بسیاری از صاحب‌نظران بر این باورند که تداوم روند فعلی می‌تواند به وقوع فاجعه مالی جبران‌ناپذیر و حتی ورشکستگی کامل فوتبال باشگاهی ایران منجر شود؛ رخدادی که رکورد منفی دیگری در کارنامه فوتبال کشور ثبت خواهد کرد.

بخشی از این مشکل نیز به مدیریت فدراسیون مربوط می‌شود، که یکی از وظایف اصلی اش نظارت بر درآمد و هزینه‌کرد باشگاه‌هاست.

تمام این مسائل دبیبی‌هایی در افکارعمومی ایجاد کرده است و دیگر اعتمادی به دخل و خرج باشگاه‌ها باقی نمانده است. هزینه‌هایی که بیت‌المال را حراج می‌کند و در عین حال فوتبال را برای مردم جذاب نمی‌کند.

در نهایت، معتقدم برای تاب‌آوری مالی باشگاه‌ها، سه رکن باید ایجاد شود تا زیان انباشته کاهش یابد: اول گذر از اقتصاد دولتی از طریق توسعه مدل‌های درآمدی نوین؛ در گام بعدی تحول حکمرانی با شفافیت مالی و جذب مدیران حرفه‌ای و در نهایت همکاری سه‌جانبه بین دولت، بخش خصوصی و باشگاه‌ها. اجرایی کردن این سه رکن می‌تواند به مدیران کمک کند تا بحران کنونی را مهار کرده و زیرساخت مالی پایدار برای فوتبال کشور ایجاد کنند.

یادداشت



هوشنگ نصیرزاده

مدیرعامل سابق تراکتور

ضرورت دوری از هزینه‌های اضافی

الگوپردازی از عربستان نه‌تنها شایسته نیست، بلکه شرایط اقتصادی هر کشور اجازه نمی‌دهد که بتوان از آن پیروی کرد. فوتبال ایران بهتر است از لیگ کشورهای اروپایی الگو بگیرد و با پیروی از برنامه‌ریزی آنها به درآمدزایی برسد.

زیان انباشته فوتبال عربستان، وضعیت هشداردهنده‌ای را نشان می‌دهد؛ ضعف مدیریت، نبود برنامه‌ریزی صحیح در جذب بازیکن و بودجه‌بندی ناکارآمد باشگاه‌ها ثابت می‌کند که حتی باشگاه‌های بزرگ عربستان فاقد استراتژی مالی و ورزشی پایدار در سطح حرفه‌ای هستند. ادامه روند فعلی، نه‌تنها عملکرد باشگاه‌های آنها در لیگ داخلی، بلکه حضورشان در لیگ قهرمانان آسیا را به خطر می‌اندازد و می‌تواند موجب افت کیفیت و کاهش محبوبیت‌شان در سطح بین‌المللی شود.

صنعت فوتبال ایران نیز با چالش‌های مالی بی‌سابقه‌ای مواجه است؛ از وابستگی حدود ۸۰ درصدی به منابع دولتی گرفته تا تورم، تحریم‌ها و نبود برنامه‌ریزی بلندمدت. این عوامل، تاب‌آوری مالی باشگاه‌های لیگ برتر را تهدید می‌کند و مدیران باشگاه‌ها را صرفاً به «مدیر هزینه» تبدیل کرده است. وقتی در سطح شهر بیلبوردهای تبلیغاتی خالی است، یعنی اسپانسر وجود ندارد و باشگاه‌ها از طریق فروش لباس، کیپی‌رایت و حق پخش تلویزیونی درآمدی ندارند؛ با این وضعیت، چه مسیری باید برای برنامه‌ریزی انتخاب کرد؟ با این حال به نظرمدیران باشگاه‌های ایران در همین شرایط، هنوز عملکرد خوبی دارند. بنابراین بهترین راه‌حل و تنها اقدام قابل انجام برای باشگاه‌ها، ترانسفر بازیکن به کشورهای عربی است تا از این طریق دلارهای نفتی به ایران منتقل شود.

سینا حسینی / انتشار آمار رسمی از سوی رسانه «الاقتصادیه» عربستان درباره چندمیلیارد

یورویی باشگاه‌های بزرگ این کشور، بار دیگر نگاه‌ها را به مدل سرمایه‌گذاری پرهزینه این کشور در فوتبال معطوف کرده است؛ اما نکته مهم‌تر از زیان سالانه، حجم زیان انباشته‌ای است که در تراز مالی این باشگاه‌ها به ثبت رسیده و نشان می‌دهد پروژه ستاره‌محور عربستان هنوز به نقطه تعادل اقتصادی نرسیده است. براساس این گزارش، پنج باشگاه اصلی فوتبال عربستان در پنج سال گذشته، در مجموع بیش از دو میلیارد یورو زیان ثبت کرده‌اند و بخش قابل‌توجهی از این رقم، زیان انباشته‌ای است که بر دوش ساختار مالی باشگاه‌ها و صندوق سرمایه‌گذاری سعودی باقی مانده است.

در صدر این فهرست، باشگاه الهلال با حدود

۷۰۰میلیون یورو زیان انباشته قرار دارد و پس از آن، النصر، الاتحاد، الاهلی و القادسیه نیز با صدها میلیون یورو ضرر در رده‌های بعدی هستند. این ارقام نشان می‌دهد حتی در اقتصادی با توان مالی بالا، فاصله میان هزینه‌های نجومی و درآمد واقعی فوتبال حرفه‌ای می‌تواند به‌سرعت به شکل‌گیری زیان انباشته سنگین منجر شود. سرمایه‌گذاری کلان برای جذب ستاره‌های بین‌المللی، افزایش دستمزدها و هزینه‌های انتقال، اگر با رشد درآمدهای پایدار همزمان نباشد، به‌جای سودآوری به بدهی‌ای ساختاری تبدیل می‌شود که در سال‌های بعد نیز اثر خود را حفظ می‌کند.

این تجربه برای فوتبال ایران صرفاً یک خبر خارجی

ساده نیست، بلکه می‌تواند یک پیام تحلیلی مهم برای مدیران باشگاه‌های ما باشد. فوتبال باشگاهی ایران، با وجود تفاوت‌های آشکار مالی با

فرشید سمیعی، مدیرعامل سابق باشگاه استقلال در گفت‌وگو با «ایران»:

پول پاشی راه موفقیت در فوتبال نیست

فوتبال بی برنامه وهزینه‌محور، صنعت به حساب نمی‌آید



مهری رنجبر / شکست سرمایه‌گذاری در فوتبال عربستان و رشد سرسام‌آور زیان انباشته باشگاه‌های این کشور، به سوزخ داغ رسانه‌های منطقه تبدیل شده است. اتفاقی که عربستانی‌ها

تنها با هدف کسب میزبانی جام‌جهانی رقم زدند. هرچند آنها با جذب و بازی ستاره‌های جهان در لیگ فوتبال کشورشان، نگاه‌ها را

متوجه خود کردند و حتی رویای میزبانی جام جهانی را محقق ساختند، اما هیچ پیشرفت واقعی در فوتبال عربستان حاصل نشد.

فرشید سمیعی، مدیرعامل سابق باشگاه استقلال، سرمایه‌گذاری فوتبال در عربستان را جذا از فوتبال مدرن اروپا می‌داند. به نظر

او، کیپی‌برداری ناچا و سطحی فوتبال ایران از تجربه عربستانی‌ها نه تنها کارگشا نبوده، بلکه باشگاه‌ها را تا لبه ورشکستگی کشانده است. بهانه ماجرای زیان انباشته چند میلیارد یورویی باشگاه‌های عربستان، گفت‌وگویی با فرشید سمیعی داشتیم که در ادامه می‌خوانید.

علی اکبر طاهری: مدیرعامل اسبق پرسپولیس در گفت‌وگو با «ایران»:

فوتبال باشگاهی تغییر مسیر دهد

پریسا غفاری / ریخت‌وپاش‌های فراوان باشگاه‌های فوتبال

عربستان در سال‌های گذشته توجه زیادی را در فوتبال آسیا و جهان به خود جلب کرده است. اما حالا انتشار یک گزارش رسمی نشان می‌دهد پروژه ستاره‌محوری فوتبال در عربستان، با وجود هزینه‌های نجومی، بازدهی مناسبی نداشته و زیان انباشته فراوانی را به باور آورده است.

علی اکبر طاهری، مدیرعامل اسبق باشگاه پرسپولیس، در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «این اتفاق کاملاً طبیعی بود، اما مطمئناً برای مدیران فوتبال عربستان سرمایه‌گذاری در این حوزه اهمیت بیشتری داشت؛ به همین دلیل برای آتاین موضوع اهمیت زیادی ندارد. اما انتشار این گزارش یک زنگ خطر جدی برای ما خواهد بود تا فدراسیون و رئیس سازمان لیگ نگاه حرفه‌ای به فوتبال داشته باشند و لیگ فوتبال را به‌عنوان یک صنعت قلمداد

پول ضامن موفقیت نیست

یادداشت



عباس صوفی

عضو فراقسیون ورزش مجلس

درست است که ورزش با نتیجه گره خورده است، اما نمی‌توان شکست در مسابقات را صرفاً به پای هزینه گذاشت. البته این یک نگاه است. از طرفی نباید باشگاه‌های عربی را با باشگاه‌های ایرانی مقایسه کرد، چرا که معمولاً هزینه آنها برای یک ستاره خارجی به اندازه بودجه یک باشگاه ایرانی است. نکته مهم، درست و بجا

«ایران» زیان سنگین باشگاه‌های فوتبال عربستان و استخدام‌های نجومی را بررسی می‌کند

زنگ خطر برای فوتبال ایران

عربستان، در یک نقطه مشترک قرار دارد؛ فشار برای موفقیت سریع و گرایش به جذب بازیکنان خارجی به‌عنوان راه‌حل فوری. در سال‌های اخیر، بسیاری از باشگاه‌های ایرانی، با وجود منابع محدود و عدم دسترسی به درآمد پایدار و مشخص، قراردادهای ارزی با بازیکنان و مربیان خارجی بسته‌اند؛ قراردادهایی که در مواردی به بدهی‌های انباشته، شکایت‌های بین‌المللی و حتی محرومیت‌های نقل‌وانتقالاتی ختم شده است. اتفاقی که باعث نگرانی شدید کارشناسان و صاحب‌نظران شده و آنان پیوسته هشدار می‌دهند اگر تصمیمات غیراصولی همچنان تداوم یابد، فوتبال باشگاهی ایران با یک ورشکستگی بزرگ مواجه خواهد شد؛ ورشکستگی‌ای که برون‌رفت از آن کار آسانی نخواهد بود. با این حال، برخی مدیران هزینه‌گر، بدون توجه به تبعات تصمیم‌گیری‌های خود،

به ریخت‌وپاش‌های سنگین در این حوزه ادامه می‌دهند.

نکته کلیدی در این مقایسه آن است که عربستان، به‌واسطه وابستگی به بودجه‌های نفتی و منابع مالی سرسام‌آور، توان تحمل زیان‌های انباشته را دارد؛ اما باشگاه‌های ایرانی که از نبود درآمد پایدار به‌شدت رنج می‌برند و با چالش‌های متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، چنین ظرفیتی وجود ندارد. بر این اساس، میزان آسیب‌پذیری باشگاه‌های ایرانی به‌شدت افزایش یافته و آینده‌ای نگران‌کننده در انتظار آنهاست. بنابراین، اگر الگوی جذب خارجی‌ها در ایران بدون برنامه‌ریزی فنی و مالی دقیق ادامه یابد، تبعات آن می‌تواند بسیار سنگین‌تر و مخاطره‌آمیزتر باشد. استخدام بازیکنان خارجی زمانی می‌تواند به موفقیت منجر شود که در چهارچوب استراتژی روشن، متناسب با توان

برفوتبال این کشور و پروژه‌های اصلاحی نئو. بودجه تبلیغاتی بسیار سنگینی نیز صرف

شد. هدف اصلی، توسعه فوتبال داخلی نبود، بلکه تبلیغ عربستان از طریق فوتبال بود. به همین دلیل، ستاره‌هایی مانند نیمار و رونالدو به لیگ این کشور آمدند. مشابه چین، سرمایه‌گذاری کلان انجام شد، اما پروژه به اندازه کافی موفق نبود و سقف هزینه‌ها محدود شد.

ظاهراً این پروژه در عربستان هم چندان

موفق نبود.

در عربستان شاید این طرح در جذب توجه جهانی موفق بود، اما برای تیم ملی‌شان شکست کامل بود و هیچ پیشرفتی حاصل نشد. حضور بازیکنان خارجی در لیگ، مانع

دیده شدن استعدادهای محلی و فرصت پیشرفت آنها شد. باشگاه‌ها نیز توان تأمین هزینه‌های سنگین ستاره‌ها را نداشتند و بنابراین سرمایه‌گذاری کاهش یافت.

در ایران وضعیت چگونه است؟

در فوتبال ایران ابتدا باید اهداف کوتاه و بلندمدت مشخص شود. اگر پول به تیم‌های دولتی، خصوصی یا خصوصی تزریق می‌کنیم، باید بدانیم چه دستاوردی دارد. واقعیت این است که حتی در اغلب باشگاه‌های خصولتی، اهداف مشخصی وجود ندارد و

در نتیجه هزینه‌ها بی‌نتیجه است. در لیگ

ایران، هدفگذاری باید شبیه عربستان باشد؛ مثلاً توسعه صنعت گردشگری یا اهداف

دیگر. تا امروز، هیچ هدف مشخصی در لیگ فوتبال ایران وجود ندارد. شاید اگر هدف نیزافزایش یابد. ریخت و پاش بودجه و منابع بدون برنامه و استراتژی عامل موفقیت هیچ کشوری نشده است.

لیگ ستارگان عربستان با جذب ستاره‌های اروپایی تلاش کرده‌نگاه‌ها را

برای میزبانی جام جهانی جلب‌کند،

اما این ریخت‌وپاش هانه تنها سود

نداشت. بلکه ضرر بزرگی روی دست

باشگاه‌ها گذاشت. آیا این می‌تواند

زنگ خطری برای باشگاه‌های ایرانی

هم باشد؟

عربستان سعودی وقتی سرمایه‌گذاری کرد،

اهداف مشخصی داشت؛ تمرکز نگاه جهانی

اختصاصی باشگاه‌ها طبق مدل ترکیه است؛ زمین اختصاصی توسط شهرداری و وام با سود ۴ درصد در اختیار باشگاه‌ها قرار می‌گیرد. وقتی کار با زحمت و برنامه انجام شود، نتیجه هم ملموس است.

باشگاه‌های ایرانی با انباشت بدهی‌های سنگین و پرونده‌های حقوقی، چالش مجوز حرفه‌ای را نیز دارند. درست‌مثل عربستان که اگر سرمایه را افزایش ندهند، سهمیه‌شان در لیگ قهرمانان آسیا کاهش می‌یابد. واقعاً هدف ایران چیست؟

مالکان باشگاه‌ها باید اهداف مشخص داشته باشند، حتی اگر اعدا کنند دنبال افتخارآفرینی هستند. واقعیت این است که در فوتبال ایران ما شاهد آن هستیم که هزینه‌ها نتیجه‌ای ن داده و ما با رشد محسوسی مواجه نبوده‌ایم. بهترین راهکار، اجرای فوتبال مدرن در ایران است. باشگاه‌ها حق پخش و تبلیغات محلی دریافت کنند و برای درآمدها برنامه‌ریزی داشته باشند. فوتبال بدون برنامه و صرفاً هزینه‌محور، صنعت به حساب نمی‌آید.

این یعنی فقط هدر دادن سرمایه؟

دقیقاً. فوتبال ایران چه در تیم ملی و چه در تیم‌های باشگاهی به موفقیت‌های ایده‌آل دست پیدا نکرده است. هدف، حلقه گمشده فوتبال ایران است. حتی قانونی برای محدودیت حضور بازیکنان خارجی وجود ندارد که از استعدادهای جوان استفاده شود. ضعف‌ها شامل نبود امکانات، زیرساخت‌ها، مربیان توانمند و آکادمی‌های پیشرفته است. ابتدا باید هدف تعیین شود و سپس حرکت درازمدت مطابق آن شکل گیرد.

پس فوتبال ایران، اشتباه ارزی دست عربستان کیی برداری کرده‌است؟

بله، این کیپی‌برداری بی‌نتیجه بود. اگر ارزشمند بود، تیم‌های ایرانی نیز مانند باشگاه‌های عربستان در آسیا به سکوی قهرمانی می‌رسیدند. تیم ملی عربستان در جام جهانی ضعیف بود، زیرا ستاره‌های خارجی، تیم‌های بالای جدول لیگ را بر کرده بودند؛ فوتبال ایران بهتر هم عمل نکرد، زیرا بدون بررسی، بازیکنان خارجی درجه دو را جذب می‌کند و هیچ ساختار مشخصی برای خرید بازیکنان خارجی وجود ندارد.



این کشور به مقصد جهانی کریکت تبدیل شد و مسابقات فرمول یک در این کشور میلیون‌ها بازدیدکننده خارجی را جذب کرد. همه اینها حتی باعث شد عربستان میزبان جام جهانی ۲۰۳۴ بازی‌های المپیک زمستانی شود. پس بهتر است مدیران ما نیز ورزش را به‌عنوان یک صنعت بی‌پذیرند، نه فقط به‌صرف هزینه و هدر دادن بودجه عمومی کشور.»

لیگ ستارگان عربستان با جذب ستاره‌های اروپایی تلاش کرده‌نگاه‌ها را

برای میزبانی جام جهانی جلب‌کند،

اما این ریخت‌وپاش هانه تنها سود

نداشت. بلکه ضرر بزرگی روی دست

باشگاه‌ها گذاشت. آیا این می‌تواند

زنگ خطری برای باشگاه‌های ایرانی

هم باشد؟

عربستان سعودی وقتی سرمایه‌گذاری کرد،

اهداف مشخصی داشت؛ تمرکز نگاه جهانی

نیست؛ برخی انتخابات سفارشی یا غیروزشنی برگزار می‌شود؛ حتی انتخاب هیأت مدیره، مدیرعامل و سرمربی نیز اغلب صحیح نیست.

از سوی دیگر، بازیکن نیز باید درک درستی از مسیر خود داشته باشد، اما رفتارهای حرفه‌ای در این زمینه محدود بوده که نتیجه آن شرایط فعلی فوتبال ایران است.

در لیگ فوتبال ایران، بیش از ۸۰ درصد باشگاه‌ها خصولتی هستند و تنها ۲۰ درصد خصوصی‌اند.

حتی موفقیت تیم ملی هم ناشی از عملکرد صحیح باشگاهی است. ممکن است باشگاه‌ها با جذب بازیکنان خارجی گرانقیمت موفق باشند، اما تیم ملی باید از بازیکنان بومی بهره ببرد. شاید بهترین

و با آوردن بازیکنان مطرح، ویتربینی زیبا برای معرفی خود به جهان ساخته و حتی میزبان جام جهانی شده باشند، اما این اقدام به پیشرفت فوتبال آن کشور کمک نکرده؛ نتیجه آن، ناگاهی تیم ملی‌شان در آسیا و جام جهانی است. البته آنها هزینه زیادی صرف می‌کنند، اما ایران، نه آن منابع مالی را دارد و نه صلاح می‌داند که بر اساس مدل عربستان پیش برود؛ حتی فرهنگ ایرانی نیز چنین رویکردی را نمی‌پذیرد.

مهم‌ترین چالش باشگاه‌های ایران این است که مدیران درک درستی از باشگاه‌داری ندارند و تصمیم‌گیرندگان متخصص نیستند. از یک سو، دانش افزایشی در ارکان تصمیم‌گیری مناسب

رنج و رستگاری

تأملی بر جهان و آثار چارلز دیکنز

ادبیات بریتانیا



چارلز دیکنز (۱۸۲۰-۱۸۱۲) را معمولاً با تصاویر خیابان‌های مه گرفته لندن، کودکان یتیم، کارخانه‌ها، زندان‌ها و طبقات فرودست به یاد می‌آورند. اما جهان ادبی او، فراتر از یک گزارش اجتماعی یا رئالیسم انتقادی ساده، جهانی است که در آن تجربه رنج، حساسیت انسانی و امکان دگرگونی در مرکز روایت قرار می‌گیرند. دیکنز نه فقط راوی فقر و بی‌عدالتی در عصر ویکتوریایی، بلکه متفکری ادبی است که می‌کوشد به پرسش‌های عمیق‌تری پاسخ دهد: انسان در جهانی که ساختارهای اجتماعی او را می‌فشازند چگونه می‌تواند «خود» بماند؟ آیا رستگاری ممکن است؟ و اگر چنین است، از کجا آغاز می‌شود: از قانون، از نهاد، یا از درون فرد؟ دیکنز را نباید فقط نویسنده فقر و کودکان

دانست. او متفکری ادبی است که به مسألهٔ انسان در جهان مدرن می‌اندیشد؛ انسانی که میان ساختارهای اقتصادی، نهاد‌های رسمی و امیال شخصی گرفتار است. جهان ادبی دیکنز، جهانی است که در آن رنج دیده می‌شود، اما عادی‌سازی نمی‌شود؛ جهانی که در آن، هم خطا و هم اصلاح ممکن است. آنچه دیکنز را همچنان خواندنی می‌کند، ایمان ساده او به عمیق او به امکان تغییر است؛ نه تغییری انتزاعی، بلکه تغییری در سطح زندگی روزمره، رابطه‌ها و انتخاب‌ها. شاید به همین دلیل است که آثار او، با وجود لحنی که گاه سانی مثالان می‌شود، هنوز واجد نوعی حساسیت انسانی‌اند که نه از سر موعظه، بلکه از سر همدلی است. جهان ادبی او، نه فقط یک پدیده تاریخی، بلکه دستگاهی فرهنگی-اجتماعی است که هنوز، با فاصله‌ای قریب به دو سده، زنده و اثرگذار است.

اخلاقی که از دل تجربه برمی‌خیزد

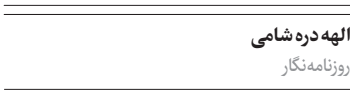
نقطه آغازین جهان دیکنز، رنج است؛ اما نه رنجی انتزاعی یا فلسفی، بلکه رنجی زیسته، ملموس و بدن‌مند. کودکانی که گرسنه‌اند، آدم‌هایی که تحقیر می‌شوند، بدن‌هایی که زیر

صدای بی‌صدایان

چارلز دیکنز استاد توصیف‌های زنده

و خالق دنیایی بود که هنوز نفس می‌کشد

تک‌نگاری



چارلز دیکنز، نه تنها داستان گفت، بلکه با نوشته‌هایش زخم‌های پنهان جامعه انگلستان دوران ویکتوریایی را آشکار کرد و آینه تمام‌نمای لندن صنعتی و پرتلاطم آن زمان شد. سبک نویسندگی دیکنز چنان متمایز و تأثیرگذار است که امروز برای توصیف فضاهای پر از تضاد طبقاتی، شخصیت‌های اغراق‌شده و نقد‌های اجتماعی تیز، واژه «دیکنزی» را به کار می‌بریم.

زندگی پر تلاطم

چارلز دیکنز، ۲ فوریه ۱۸۱۲ در انگلستان چشم به جهان گشود. پدرش به دلیل بدهی مالی به زندان افتاد و چارلز ۱۳ ساله بود که مجبور شد مدرسه را رها کند و در کارخانه واکس‌زنی کفش به کار سنتز و طاق‌ت‌فرسا مشغول شود. این تجربه تلخ کودکی، بعدها به یکی از مهم‌ترین منابع الهام او تبدیل شد و ردپای آن در بسیاری از آثارش می‌توان دید: از جمله در سرنوشت الیور توئیست یا دیوید کاپرفیلد. پس از آزادی پدر، چارلز دیکنز توانست تحصیل را ادامه دهد و خیلی زود به روزنامه‌نگاری روی آورد. در ۲۰ سالگی به عنوان گزارشگر پارلمان و سپس نویسنده ستون‌های طنز در مطبوعات لندن شناخته شد. دیکنز تا پایان عمرش، چهارده رمان بلند، چندین مجموعه داستان کوتاه و مقالات بی‌شمار نوشت و سرانجام ۹ ژوئن ۱۸۷۰ بر اثر سکته در ۵۸ سالگی درگذشت. پیکرش در گوشه شاعران کلیسای وست‌مینستر به خاک سپرده شد؛ جایی که شایسته یکی از تأثیرگذارترین نویسندگان عصر ویکتورا بود.

ترکیبی از طنز، واقع‌گرایی و نقد اجتماعی
آنچه قلم چارلز دیکنز را از دیگران متمایز می‌کند، سبک منحصربه‌فرد اوست که ترکیبی استادانه از واقع‌گرایی اجتماعی، طنز گزنده، هجو،



می‌راند. دیکنز در اینجا به جای اخلاق غالب، اخلاقی ترازیک را پیش می‌کشد: آنچه حقانیت دارد، حتی اگر مغلوب شود.

امکان دگرگونی

«سرود کریسمس» (۱۸۴۳) رمانی کوتاه است، اما چکیده‌ای از جهان‌بینی دیکنز را در خود دارد. اسکروج، شخصیت مرکزی داستان، نمونه انسانی است که در زمان منجمد شده است؛ گذشته را فراموش کرده، حال را انکار می‌کند و آینده را فقط به مثابه حساب و کتاب می‌بیند. دیدار با گذشته، حال و آینده، در این داستان، صرفاً تمهیدی روایی نیست؛ استعاره‌ای است از بیداری آگاهی انسانی، برای دیکنز، انسان بودن یعنی توان دیدن خود در امتداد زمان و پذیرش مسئولیت نسبت به دیگران. دگرگونی اسکروج، نه معجزه است و نه مجازات؛ نتیجه مواجهه با حقیقت زندگی خویش است. از این منظر، این داستان یادآور این انگاره است که اخلاق بدون حافظه ممکن نیست. فراموشی رنج دیگران، فراموشی خود گذشته، انسان را به موجودی سرد و بی‌رحم بدل می‌کند. دیکنز، با زبانی ساده و داستانی، از ضرورت بیداری وجدان انسانی سخن می‌گوید. «سرود کریسمس»، همچنین، نقدی است بر فرهنگ محاسبه‌گر سرمایه‌داری؛ فرهنگی که زمان، روابط و حتی عاطفه را به عدد بدل می‌کند. اسکروج، تجسم انسانی است که در گفت‌مان

بهره‌وری منجمد شده است. بازگشت زمان‌های سه‌گانه، بازگشت امر انسانی به فرهنگ است. از سوی دیگر، این داستان دفاعی است از اخلاق توجه و پاسخگویی، دگرگونی اسکروج نه از ترس مجازات، بلکه از بیداری وجدان رخ می‌دهد. اخلاق، در اینجا، توان دیدن دیگری و پذیرش پیوند با اوست؛ اخلاقی که بدون همدلی ممکن نیست.

زمان، خاطره و خود شدن

«دیوید کاپرفیلد» (۱۸۵۰) را اغلب شخصی‌ترین رمان دیکنز می‌دانند و بی‌دلیل نیست. این رمان، در سطحی عمیق‌تر، تأملی است درباره شکل‌گیری «خود» در گذر زمان. دیوید نه قهرمانی بی‌نقص، بلکه انسانی در حال شدن است؛ کسی که خطا می‌کند، شیفته می‌شود، شکست می‌خورد و می‌آموزد. در این رمان، زمان نقشی محوری دارد. گذشته هرگز کاملاً سیری نمی‌شود؛ خاطره‌ها بازمی‌گردند و بر اکنون اثر می‌گذارند. از این حیث، دیکنز به نوعی فهم روایی از هویت نزدیک می‌شود؛ ما نه مجموعه‌ای از ویژگی‌های ثابت، بلکه داستانی هستیم که پیوسته بازنویسی می‌شود. «دیوید کاپرفیلد» را می‌توان در کنار آن دسته از سنت‌های فلسفی قرار داد که هویت را فرآیندی تاریخی می‌دانند، نه جوهری ایستا. دیوید، خود محصول رابطه‌ها، رنج‌ها و انتخاب‌هایش است. این نگاه، برخلاف اخلاق خشک ویکتوریایی، به انسان امکان خطا و اصلاح می‌دهد. در ساحتی دیگر، «دیوید کاپرفیلد» روایتی است از «ساخته شدن سوز» در دل مناسبات طبقاتی، خانوادگی و آموزشی. هویت دیوید نه در خلأ، بلکه در شبکه‌ای از روابط قدرت، محبت و سلطه شکل می‌گیرد. فرهنگ در این رمان، مجموعه‌ای از نیروهای متناقض است که هم امکان رشد می‌دهد و هم زخم می‌زند.

در این رمان، قضاوت و مسئولیت‌پذیری محصول شدن سوز» در گذر زمان است؛ امری که یک ویژگی ثابت و از پیش اعطا شده نیست، بلکه به تدریج و در انزوت، تجربه‌های زیسته شکل می‌گیرد. دیکنز به جای انسان کامل، از انسانی می‌نویسد که می‌آموزد مسئولیت خطاهایش را بپذیرد. فضیلت در اینجا نه امری ذاتی یا ناگهانی، بلکه حاصل فرآیندی زمانمند از تجربه، شکست و بازاندیشی است؛ نوعی منطق روایی که با زندگی پیش می‌رود.

تاریخ، خشونت و دوگانگی اخلاقی
«داستان دو شهر» (۱۸۵۹) شاید سیاسی‌ترین رمان دیکنز باشد. با قرار دادن روایت در بستر انقلاب فرانسه، برخلاف برخی رمان‌نویس‌های انقلابی، دیکنز شیفته خشونت جمعی نمی‌شود. او، هم ستم اشراف را می‌بیند و هم خطر انتقام کور را گیوتین، در این رمان، نماد عدالت

چارلز دیکنز در حال کتاب خواندن برای دخترانش مری و کیت در باغ خانه‌اش، گدز هیل در کنت، سال ۱۸۶۵



دیکنز را نباید فقط نویسنده فقر و کودکان دانست. او متفکری ادبی است که به مسأله انسان در جهان مدرن می‌اندیشد؛ انسانی که میان ساختارهای رسمی و امیال شخصی گرفتار است.

جهان ادبی دیکنز، جهانی است که در آن رنج دیده می‌شود؛ اما نتیجه‌محور «موقفیت» است و بازگشت به مسئولیت نسبت به دیگری را به مثابه افق انسانی پیش می‌نهد؛ «آرزوهای بزرگ»، همچنین، نقدی است بر فرهنگ بورژوازی، دگرگونی‌گاری را به شکل آرزو عرضه می‌کند. از این رو، این رمان نقد منطق نتیجه‌محور «موقفیت» است و بازگشت به مسئولیت نسبت به دیگری را به مثابه افق انسانی پیش می‌نهد؛ پیپ، زمانی به بلوغ اخلاقی می‌رسد که می‌آموزد ارزش انسان‌ها را مستقل از سودمندی یا جایگاه اجتماعی‌شان ببیند.



«دیگری شدن» حاصل فرهنگی است که منزلت را نه در کردار، بلکه در ظاهر و سرمایه‌نماین تعریف می‌کند. دیکنز نشان می‌دهد چگونه فرهنگ بورژوازی، دگرگونی‌گاری را به شکل آرزو عرضه می‌کند. از این رو، این رمان نقد منطق نتیجه‌محور «موقفیت» است و بازگشت به مسئولیت نسبت به دیگری را به مثابه افق انسانی پیش می‌نهد؛ پیپ، زمانی به بلوغ اخلاقی می‌رسد که می‌آموزد ارزش انسان‌ها را مستقل از سودمندی یا جایگاه اجتماعی‌شان ببیند.

چارلز دیکنز در اتاق مطالعه‌اش، اثر ویلیام پاول فریت

رمان‌های بزرگ‌ش را به صورت پاورقی ماهانه یا هفتگی در مجلات و روزنامه‌های لندن منتشر می‌کرد. این روش که پیش از او هم وجود داشت، با دیکنز به اوج رسید و به یک پدیده فرهنگی تبدیل شد. هرماه، خوانندگان با هیجان منتظر شماره جدید می‌ماندند تا ببندند سرنوشت شخصیت محبوب‌شان چه می‌شود. این انتظار شیرین، دیکنز را به بخشی از زندگی روزمره مردم تبدیل کرد؛ گویی الیور، پیپ یا اسکروج اعضای خانواده‌شان بودند.

«یادداشت‌های پیک‌ویک» که ابتدا اقرار بود فقط حاشیه‌ای بر نقاشی‌های یک هنرمند باشد، با قلم دیکنز چنان جان گرفت که تیسرا مجله‌ از چند صد نسخه به چهل هزار نسخه رسید. مردم در اسکله‌های بندر منتظر کشی‌هایی می‌ماندند که شماره جدید را از لندن می‌آوردند؛ در نیویورک هم همین‌طور. وقتی تانسی در «الیور توئیست» کشته شد، موجی از نامه‌های خشمگین و گریان به دفتر مجله رسید و خوانندگان از دیکنز انتماس می‌کردند که او را زنده کند! این سطح از ارتباط عاطفی با شخصیت‌های داستانی، پیش از دیکنز بی‌سابقه بود.

قلم دیکنز پر از بازی‌های زبانی، تکرارهای نشان می‌داد و ضعف‌های جامعه انگلستان را در تکرار برای تأکید بود؛ مثلاً در «سرود کریسمس» عبارت «مارلی مرده بود، به یقین مرده بود» یا آن ریتم محکم، خواننده را از همان خط اول میخکوب می‌کند. یا در «داستان دو شهر» جمله آغازین مشهور «بهترین دوران نبود، بدترین دوران بود...» که با تضادهای بی‌دربی، موسیقی خاصی ایجاد می‌کند و تا امروز یکی از معروف‌ترین آغازهای رمان در تاریخ ادبیات است. دیکنز همچنین استاد خلق پایان‌هایی بود که هم رضایت‌بخش بودند و هم خواننده را برای مدت‌ها در فکر فرو می‌بردند. در بسیاری از رمان‌هایش، پایان‌ها چندلایه‌اند: خوشی ظاهری همراه با تلنگری کوچک، یا خوشی واقعی اما با سایه‌ای از واقعیت زردگی. مثلاً در «آرزوهای بزرگ»، دو پایان متفاوت نوشت: یکی خوش برای انتشار اولیه و یکی تلخ‌تر و واقع‌گرایانه‌تر برای نسخه نهایی. این دوگانگی نشان می‌دهد او چقدر به احساس ماه‌ها بعد از تمام شدن کتاب، هنوز درباره سرنوشت پیپ و استلا بحث می‌کردند؛ بحثی که خود دیکنز را هم سرگرم می‌کرد.

دیکنز از کودکی عاشق تئاتر بود و خودش هم بازیگر آماتور خوبی بود. این عشق در



دیکنز اغلب با خنده آغاز می‌کرد و خواننده را به دل دردهای جامعه می‌برد. شخصیت‌هایش معمولاً کاراکترهای تخت و اعراف هستند؛ مثلاً آقای جینگل در «یادداشت‌های پیک‌ویک» با رفتارهای عجیب و غریبش، این اعراف، نه ضعف، بلکه ابزار قدرتمند نقد اجتماعی است



صد، رنگ و بافت است. مثلاً مه غلیظ لندن و سرمای استخوان‌سوز، خواننده را بلافاصله به دل فضای داستان «سرود کریسمس» می‌برد. او از جملات بلند و پیچیده استفاده می‌کرد، اما همزمان گفت‌وگوهای شخصیت‌ها چنان طبیعی و زنده بودند که گویی از کوجه‌های واقعی لندن بیرون آمده‌اند. رمان «الیور توئیست» یکی از نخستین آثار مهم ادبیات جهان است که مستقیماً به فقر شهری، یتیم‌خانه‌ها و باند‌های خلافکار پرداخت و تصویری تکان‌دهنده از زندگی زیرخط فقر لندن ارائه داد. شاید هیچ اثری به اندازه «سرود کریسمس» تواناد سبک دیکنز را خلاصه کند. این داستان کوتاه، با شخصیت اسکروج (که امروز نماد خسبیس تمام‌عیار است)، در یک شب کریسمس، تحول اخلاقی یک انسان خودخواه را روایت می‌کند. دیکنز با ترکیب طنز، ترس، احساسات و پیام اخلاقی، اثری خلق کرد که نه تنها در زمان خودش، بلکه تا امروز میلیون‌ها نفر را تحت تأثیر قرار داده و حتی به تغییر نگاه جامعه به کریسمس و خیرخواهی کمک کرد. جمله آغازین مشهور ان: «مارلی مرده بود، به یقین مرده بود.»

تاریخ‌های ۱۴۲۰ را مجموعه وزارت کشور، دولت سیزدهم - که پیش از آن نیز در دولت سابق با آسیب دیدگان حاد کوچک و بزرگ امنیتی مسئولیت داشت - تشکیل می‌شد. این کمیته که اولین تجربه در جمهوری اسلامی ایران بود با شناسایی آسیب‌های حاد جانی و مالی آثارهای اقتصادی داشته که عبارت بود از پرداخت عادلانه به جانباختگان و پرداخت حداکثر تا یک میلیارد تومان به مصدومان جسمانی و خسارت درمان، مرگ و میر و ترمیم مای خسارت، جبران معنوی و ترمیم آسیب‌ها از رهگذر ملاقات با آسیب‌دیدگان و سرکشی از ابراز و دیدگاه‌ها و تلاش برای رفع مشکلات زندگی مورد توجه بود. در پرتو تجارب حاصله و با ابراز نیاز به وجود ساختاری دائمی با صیانت از حقوق آسیب‌دیدگان حوادث امنیتی، در تیرماه ۱۴۰۲ تشکیل «کمیسیون ترمیم خسارات ناشی از حوادث امنیتی» و شیوه‌نامه جبران خسارات آن به شورای امنیت کشور شد. این طرحی نو در ساختار حاکمیتی ایران با هدف صیانت از حقوق شهروندان آسیب‌دید و همچنین توانمندسازی دولت در جنگ حقوقی بین‌المللی علیه دولت در حوزه حقوق بشر درآیند افتاد. هر چند سبب پشته این نهاد که می‌توانست دستور و توسعه‌یابد خلاهای قانونی و اجرایی آن به مرور مرتفع شود، با این‌همه موانع جدید و ظریف و تجربه و ارتباط با جنگ ۱۲ روزه در حوادث ۱۴۰۳ مورد استفاده واقع نشد. این حادثه که گسترش حوادث ۱۴۰۴ - شامل است که ایجاد ساختاری دائمی برای پیگیری مؤثر و مستمر حقوق قربانیان حوادث امنیتی به صورت کشوری نیازمند یک سازوکار رسمی و متمرکز است تا شناسایی آسیب‌دیدگان که محدود به جانباختگان نیست در کنار ارائه بسته‌های حمایتی به ایشان که آن نیز محدود به پرداخت غرامت یا کمک‌های مالی نیست، بلکه همدردی رسمی و سرکشی و تسهیل عدالت‌خواهی را نیز شامل می‌شود، با سرعت و به صورت حداکثری پرداخت شود که امید می‌رود این مهم محقق شود تا نه تنها آسیب‌دیدگان حوادث روزترب به حق خود پرسند بلکه در هر حادثه‌ای نیاز به ساخت چرخ از نو نباشد.

تأسیسات عالی اجتماعی و در آسان شود. سرمایه اجتماعی فقط شود. جبران خسارت در کنار دانستن حقیقت و دسترسی به عدالت؛ سه حق بنیادین برای قربانیان حوادث امنیتی است و دولت متعهد به استیفای آنهاست. لیکن، در پیشتدر سیاست‌های ترمیمی و جبرانی به نسبت به آسیب‌دیدگان نازاری‌ها- اقتضای تأمین مسئولیت امنیتی آن است که دولت با اتخاذ یک سیاست افتراقی و خارج از فرایندهای رسمی مالی این نوبت، به قربانیان جانی و آسیب‌دیدگان مالی و جانی و سپس آسیب‌دیدگان مالی و جانی و سپس جبران خسارت اشتغال کند. واقعیت آن است که رفتار شدن آسیب‌دیدگان در پیچ و خم بوروکراتیک و زمان‌بر قضایی و اداری و سازوکارهای رسمی و جاری جبران خسارت، یعنی شکایت در محاکم و اخذ خسارت، چهار بزرگ‌دینی ناویدی و احساس رهاشدگی و فراموش‌شدگی می‌باشد. می‌شود اجرای این سیاست و برنامه‌های ترمیمی و حمایتی نیازمند ساختاری متفرک و تمام‌وقت است تا بتواند شانسایی دقیق جانی‌باختگان و مصدومان و آسیب‌دیدگان و سپس مستحقان حمایتی و جبرانی ترمیمی را بپذیرد. این تبیین منتهی البته توجه است چراکه دولت نسبت به قربانیان حوادث امنیتی از هر کس بزرگ‌دینی سایر جرایم پیش از هر کس دیگری به دلیل ناتوانی در تأمین امنیت، مسئولیت دارد.

در تأمین منابع لازم برای جبران خسارت نازاری‌ها و آتسوب‌ها، ایجاد صندوق تأمین خسارت امنیتی مانند صندوق خسارت‌های طرح مندرسی است. علاوه بر تعریف ردیف خاص برای این صندوق در بودجه عمومی - چنان که پیش از این در ارتباط با حوادث امنیتی برای وزارت کشور تعریف شده بود- بهره‌گیری از منابع مالی توانایی ایجاد شرکت‌ها در جوامع محلی نیز می‌تواند محل تأمل باشد تا از این راه‌ها، مردم و مردم و شهروندان را متوجه به آسیب‌دیدگان یک بحر جمع می‌شود و هم‌مدردی با ایشان و اشتراک در یک سرگ‌جمعی و شریک و هم‌باشد.

وقوع نازاری‌های سال ۱۴۰۱، فرصت و محالی بود تا برنامه‌های ترمیمی نسبت به آسیب‌دیدگان این حوادث پیاده‌سازی نشود. این منظور «کمیت تحقیق

نحوه حوادث دی



باشد، به او برای اخذ شده رجوع به دولت از آن رو سبب حوادث و آرائندها و اقدامات و امنیت عمومی و مأموران دولتی است، که در این نمونه در فرض قتل گیری سلاح آنگونه به کارگیری سلاح صورت عدم تقصیر مظه مسئول جبران در واقع حکایتگر و ولت و بیت‌المال و به کارگیری سلاح سارات منتسب به سوگیر است، که در باب تقصیر و قصور مسئولیت خواهد لیت دولت در اینجا است و نیازی به ست، در واقع، در امت اجتماعی دولت کی اجتماعی - یعنی امعه از شهروندان سارت خواهد بود

اقتضای
تأمین امنیت
آن است که
دولت با اتخاذ
یک سیاست
افتراقی و
خارج از
فرآیندهای
رسمی و
قضایی نسبت
به قربانیان
جانی و مالی
این حوادث،
اقدام به
شناسایی
آسیب‌دیدگان
مالی و جانی و
سپس جبران
خسارت
ایشان کند

ن آسیب دیدگ



می تواند متوجه تأمین خسارات کند. توجه مسئول است که خسارات امنیتی یا ناشی از تأمین کننده نه متسبب به عنوان تأمین کننده نه مسئولیت در صورت به عنوان فرد بی گناه یا به که در ماده ۱۳ نیز آمده است مأمور، سازمان خسارات مسئولیت بیاگر مسئول است؛ یا آنکه عوامل غیردولتی این فرض دولت یک مسئولیت در تأمین امنیت داشت. البته هم مسئولیت اثبات مسئولیت اینجا به دلیل هم برای بسط هم حمایت علیه آسیب دیده و اساس آموزه های بی نیاز از مذاقه ملزم به جبران

بنا بر قراردادها می تعهدات بیمه گذار بایی نشدن عامل امکان قانونی برای بید دیده پیش بینی است که به عنوان ره، مالکان و ساکنان بکونی آسیب دیده رژیم اسرائیل که بده بود، فاقد حق سارات وارده در برابر

به ایده قابل دفاع امنیتی اعم از جنگ و به طور خاص های خیابانی، اگر اصلی آسیب های بایی نشود - که آرامی ها به دلیل های میدانی امری بوار است و در اکثر بود - و یا دسترسی دولت در طول فرد خسارات خواهد داشت که دولت سران خسارات، با ره و مباشرت مسبب فرض حقیقی و یا یتی مدنی و حقوقی

دروسی کرد جبران خسارت

و جنگ، که متعارف بیمه از آن خارج است. با آسیب زنده مهاجران جبران خسارت نشده است، چه نمونه، در جنگ ساختمان‌های از حملات مجرمانه املاکشان بیمه ساختمان‌های ادعایی نسبت به دولت ایران بود در چنین فضا است که در حوادث تروریستی و ناآرامی‌ها و آتش‌زایی و مالی ضامن و وارث در حوادثی مانند واقعیات و پیچیدگی‌های ساختن به‌غایت سخت‌تر موارد چنین به‌ام‌مقدور نیاز، مباشر، مسئول بود. این بدنی می‌تواند پس شناسایی و تسهیل اصلی، اعم از حقوقی که مس

نده نظم و شیوه‌های غیر قابل نظمی با سیاست‌های کاهش؛ چراکه پیشگیری، اصل اولیه آن جبران خسارت به آسیب دیدگان به‌زه‌کار و مباشر است. در نظام نیز قانون مجازات است که در فرض است دادون قتل به تسرّسی حاصل از اینکه شناسایی به‌بنابر قاعده هدر قانودگذار را پذیرش فعل غیر و دیگری، بر پرداخت دیده به نی و شرعی جبران جانی - شناخته رآی از ناحیه دادگاه وزارت دادگستری این حال، در مورد چنین مسئولیتی جانی - شناخته است. این بدان بیمه نبودن اموال و اغتشاشات

رودادداشت تحلیلی

تولک نسبت ب



سین، عضو هیأت ران رد تحلیلی به کلیدی پرداخته چون نارامی های مرات جانباختگان گرفتن حقوق آنان

حداکثری، خسارات به قرار می دهیم. امنیت عمومی از ین شهروندان هر ناظر بر آن دولتها راند تا به کارگیری توان خود - که از سسله است- از این نری مینت کنند. ن امنیت بر اساس ردارد اجتماعی از دولتها همان است مجهز به اختیارات کبری زور و سلاح رونی شده اند. لیکن مبین امنیت و نظم تعهد و مسئولیت - و ید مسئولانه و مقید یرمطلوب باشد. کی ایده که می توان از مسئولانه امنیت» که رد زمانه و زمینه عی و آسوب های سب دیدن هر یک و عابر و نظری که اکان مورد حمایت محسوب می شوند، ن خسارت و ترمیم ن مسئولیت دارند. به امنیت محدود به واکشتی نسبت بلکه دولتی باید سینی از جمله ناپد نینیت و جلوگیری از نوت و پیشگیری از آسوب های خشن ین آسوب ها مؤثر

نیروهای تأمین ایشان به نحو آسیب رسان بر قانون شکنی آسیب را دنبال بهتر از درمان نابار موازن است که مسب جانی و مالی یک حادثه، به حقوق کفیری اسلامی مقرر جانباختگی و خسارات جسد نشده است. شده باشد یا نبودن خون مسئولیت ناشی بیت المال را هر عنوان سازوک مسئولیت جسد است که با صالح از صندوق پرداخت می خسارات مادی متوجه بیت المال معاستد به خسارت دیده

لیت حقوقی

محمد‌های ذی
علمی دانشگاه
بررسی این پیر
که در پی حواص

چه مسئولیت حقوقی در قبال جبران
عهده دارد و چگونه می‌توان مانع از نا
حظات شد.

امینتی و لزوم و
ایشان را مور
برخوردار از
جمله حقوق
جامعه است ت
یک تعهد ایجا
حداکثر امکان
جنس تعهد
حق به نحو
از این منظر
همان ادبیات
جمله وظایف
که برای ایفا
قهری از جمله
چهارچوب حد
ایفای این تعه
عمومی به مثاب
نه امتیاز و اخ
بد خود و غرض
از لوازم التزا
آن به گفتن
تغییر کرد، ان
نازای می‌های
خیابانی در صو
از شهروندان
از حیث قانو
بوده و محقون
دولت در قبال
آسبید‌یدیگی
البته تأمین مس
اقدامات پسا
به آسیب‌ها
با اقدامات
حادثه
بروز
شکل
و

میان ۱۴۰۴ در ایران
چه به جان باختن
سدادی از ایرانیان
ان را متوجه مسائل
پروامنه برساخته
نت‌ان امینتی کرد. در
بالای مسائل ناظر
به خسارات وارده به
حوادث و مسئولیت
بران از جایگاه
ست. علت آن است
های ناظر به نظم
موسماً حقوق قربانیان
بر جانشینان و مسوالت و
ایشان، کمتر مورد
در و در تراجم میان
آموزه‌ها و رویکردهای
غلبه می‌یابد. چنین
انند رویکرد و بیش
ه‌شناسی حمایتی
در میان مسائل نظری
نیان و آسیب دیدگان
مخفی و از قلم افتاده
غا شوند. به همین
سعه ادبیات در این
ت حقوق
له



تحلیل

در سایه برخی روایات و آسپیدیدگ ۱۴۰۴، وقوع حوادث که شوریختا و آسپیدیدگ شد، باردیگر و موضوعات و برخاسته از میان فهرست به نازارهای، قربانیان در بسط دولت در قب و زدهای در بخور که از سیاست و امنیت عمومی و از آن جمله آسپیدهای و توجه قرار م منافع جامعه امنیت تحو است که باید اتخاذای در بزم مانع از آن بش و عملی روشم نازارهای، موض در سیاست ک منظور، با هده حوزه و بسط شهروندی خسارات وارد قربانیان حو

عکس: سجاد صفری / ایران



فراخوان استعمال ارزیابی کیفی خدمات مشاوره

شماره فراخوان: ۵۰۰۰۳۶۹۹۰۰۰۴۰۰۴

اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان

اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان - بندر چابهار - به انتخاب مشاور «مطالعات مفهومی و مهندسی پایه احداث یک باب انبار سر پوشیده به مساحت ۱۲۰۰۰ مترمربع در بندر شهید بهشتی چابهار به روش BOT» را با برآورد اولیه ۹۰۲۳ میلیون ریال به روش QCBS از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل فرایند انتخاب مشاور از دریافت اسناد فراخوان تا ارائه پیشنهاد مشاوران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مشاوران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در فراخوان محقق سازند.

شرایط الزامی شرکت در مناقصه الزامات استعمال ارزیابی کیفی شامل موارد ذیل می باشد:

برخوردار از گواهی نامه صلاحیت مشاوره حداقل پایه ۳ تخصص ساختمان و معماری یا پایه ۳ ساختمان از گروه شهرسازی و معماری صادره از سازمان برنامه و بودجه کشور گواهی نامه ارائه شده می بایست معتبر و قابل رهگیری در سامانه <http://sajar.mporg.ir> باشد.

تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ۱۴۰۴/۱۱/۲۷ می باشد.

- **مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت:** از تاریخ چاپ دومین آگهی در روزنامه کثیرالانتشار از روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۴/۱۱/۲۷ لغایت ساعت ۱۸:۰۰ روز شنبه مورخه ۱۴۰۴/۱۲/۰۲.
- **مهلت زمانی ارسال پیشنهاد:** از تاریخ اتمام دریافت اسناد از روز یکشنبه مورخه ۱۴۰۴/۱۲/۰۳ لغایت تا ساعت ۱۸:۰۰ روز شنبه مورخه ۱۴۰۴/۱۲/۰۹.
- **تاریخ بازگشایی پاکت:** ساعت ۰۸:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۹ در محل اتاق کنفرانس طبقه چهارم ساختمان اداری شماره یک بندر شهید بهشتی.

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر درخصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت‌ها:

آدرس: چابهار - انتهای خیابان شهید ریگی - اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان بندر شهید بهشتی - ساختمان شماره یک
تلفن: ۰۵۴-۳۱۳۳۳۰۰۰ فاکس: ۰۵۴-۳۵۳۳۱۴۱۴

• **اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه:**
مرکز تماس: ۰۲۱-۴۱۹۳۳۴ دفتر ثبت‌نام: ۰۸۹۶۹۷۳۷ - ۰۸۹۳۳۷۶۸ - ۰۲۱

اداره کل بنادر و دریانوردی استان سیستان و بلوچستان

مناقصه عمومی یک مرحله‌ای فراخوان



شهرداری اصفهان

شهرداری اصفهان در نظر دارد فراخوان مناقصه خرید سموم و نهاده‌های فضای سبز جهت دفع آفات و بیماری‌های گیاهی را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

گروه اول: (به شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۹۴۳۲۵۰۰۲۳۰) مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۲۰,۷۸۷,۸۴۰,۰۰۰ ریال می‌باشد.

گروه دوم: (به شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۹۴۳۲۵۰۰۲۳۱) مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۲۰,۹۱۰,۳۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد.

گروه پنجم: (به شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۹۴۳۲۵۰۰۲۳۲) مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۴۰,۸۸۶,۵۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان a در فراخوان در صورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:

- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۴/۱۱/۲۶ *****
- مهلت دریافت اسناد فراخوان: تا ساعت: ۱۷:۰۰ ***** ۱۴۰۴/۱۲/۰۷
- مهلت ارسال پیشنهادات: تا ساعت: ۱۷:۰۰ ***** ۱۴۰۴/۱۲/۱۸
- زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت: ۰۸:۰۰ ***** ۱۴۰۴/۱۲/۱۹

• نوع تضمین و سایر شروط در شرایط شرکت در مناقصه مشخص می‌باشد.

• آدرس دستگاه: اصفهان - خیابان آیت ا... شمس آبادی - کوچه شماره ۲۳، معاونت خدمات شهری شهرداری اصفهان

• اطلاعات تماس: ۰۳۱۳۲۲۴۱۸۵۰ - ۰۳۱۳۲۲۴۱۸۶۰ - ۰۳۱۳۲۲۴۱۸۷۰

آگهی مزایده عمومی

فروش اموال اسقاطی شماره ۱۴۰۴/۲



بانک ملت
bank melli

بانک ملت استان مازندران در نظر دارد تعدادی اقلام و اموال اسقاطی و ضایعاتی را به صورت یکجا با وضع موجود در انبار بانک و شرایط مندرج در اوراق از طریق برگزاری مزایده عمومی به فروش برساند.

از این رو متقاضیان جهت کسب اطلاعات و دریافت اوراق مزایده و متعاقباً تحویل پیشنهاد قیمت از تاریخ ۱۴۰۴/۱۱/۲۷ لغایت تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۶ ساعات اداری به اداره تدارکات و ساختمان مدیریت شعب استان واقع در ساری - میدان امام - مدیریت شعب بانک ملت استان مازندران - اداره تدارکات و ساختمان مراجعه نمایند.

مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد مزایده:

ارائه معرفی نامه و فیش ۰۰۰/۰۰۰/۵ ریلی واریزی بین واحد به نام اداره امور مالی مدیریت شعب استان مازندران (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملت)

ضمناً: بانک در رد یا قبول یک یا تمامی پیشنهادات در هر مرحله بدون ذکر هیچ گونه دلیلی مختار است. تلفن تماس ۰۱۱-۳۳۳۵۰۱۸۸

مدیریت شعب استان مازندران - اداره تدارکات و ساختمان

نوبت اول

آگهی مناقصه (عمومی یک مرحله‌ای)

شماره ۴۰۴/۰۸۹



شرکت فجر انرژی خلیج فارس
Persian Gulf Fajr Energy Co.

شرکت فجر انرژی خلیج فارس در نظر دارد مناقصه تأمین، بارگیری، حمل و تحویل فیلترهای هوا، مورد نیاز مجتمع خود را واقع در ماهشهر، منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی بندر امام خمینی (ره) سایت ۲ از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با ارزیابی کیفی به اشخاص توانمند و واجد شرایط در این زمینه واگذار نماید.

اطلاعات تکمیلی و اسناد مناقصه در وبسایت فجر به آدرس www.fepg.ir قابل رؤیت می‌باشد.

روابط عمومی شرکت فجر انرژی خلیج فارس



نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی همراه با ارزیابی کیفی

(دو نوبته - یک مرحله ای)



جمهوری اسلامی ایران

سازمان عمران شهرداری قزوین به نظر دارد نسبت به انتخاب پیمانکار، جهت **انتخاب پیمانکار اجرای حمل و بخشی و کمپکت آسفالت ماشینی معابر اصلی و فرعی (ماشین رو) سطح شهر قزوین** از محل اعتبارات داخلی طی مدت ۱۰ ماه (ده ماه) بر مبنای قانون برگزاری مناقصات به شرح جزئیات مندرج در اسناد مناقصه و با بهره گیری از سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir)، از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید، متقاضیان می توانند پس از انتشار آگهی و دریافت اسناد مناقصه به آدرس اینترنتی فوق مراجعه نمایند. برگزاری مناقصه صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت می باشد و کلیه مراحل فرایند مناقصه شامل دریافت اسناد مناقصه، پرداخت تضمین شرکت در مناقصه، انصراف از شرکت در مناقصه، ارسال پیشنهاد قیمت، بازگشایی پاکات، اعلام به برنده، پذیرش برنده بودن، پرداخت تعارفه سامانه و ... در بستر سامانه می باشد.

پاکات الف، "ب" و "ج" ارزیابی کیفی "می بایست در سامانه بارگذاری و اصل تضمین شرکت در مناقصه (پاکت الف)" به مبلغ ۴,۹۹۵,۰۰۰,۰۰۰ (به حروف چهار میلیارد و نهصد و نود و پنج میلیون ریال) به دبیرخانه سازمان عمران شهرداری قزوین تحویل گردد.

هزینه آگهی به عهده برنده مناقصه می باشد.

آدرس: قزوین- بلوار جمهوری اسلامی نبش چهارراه ایران گاز

تلفن تماس: ۰۲۸-۳۳۳۸۸۵۸۵۱

شناسه: ۲۱۳۲۸۹۹

ایزده مهر زارعی - مدیر عامل سازمان عمران شهرداری قزوین

